



سجّاد

نشریه بسیج اساتید
دانشگاه علم و صنعت ایران

تحلیل و بررسی حماسه بزرگ ۹ دی ۸۸

آشنایی با جریان موازی سلفیت
تکفیری در شیعه

اربعین استمرار قیام متفکرانه امام حسین (ع)

محورهای عملیاتی جبهه دشمن
غربی علیه نظام اسلامی

وحدت حوزه و دانشگاه

مصاحبه با ریاست محترم دانشگاه

به مناسبت سالگرد رحلت آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانى





تحلیل و بررسی حماسه بزرگ ۹ دی ۸۸

به نقل از خبرنامه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

۹ دی اوج ولایتمداری و غیرتمندی ملت ایران بود و می‌توان گفت عشق ملت قهرمان ایران به امام راحل را ثابت کرد. ۹ دی سند ماندگار بیعت مجدد با رهبری، ولایت فقیه و تبلور آرمان‌های ولای انقلاب اسلامی است. راهپیمایی ۹ دی بزرگ‌ترین و تاریخی‌ترین راهپیمایی در تاریخ انقلاب اسلامی بود که عشق ملت ایران به امام (ره)، رهبر و انقلاب اسلامی را برای همیشه تاریخ به جهانیان ثابت کرد

رفت و بسیاری از اسرار پشت پرده آشکار شد و مأموران مستقیم نظام سلطه جهانی در جریان محاکمات خویش، ابعاد گسترده و پیچیده برنامه‌ریزی درازمدت بیگانگان را برای براندازی، شفاف ساختند. با توجه به این اعترافات روشن شد که طی دو دهه گذشته، دشمنان ملت ایران، سه نوع شیوه براندازی را علیه نظام اسلامی به کار گرفته‌اند؛ یکی شیوه استحاله فرهنگی که در دوران دولت سازندگی پیگیری می‌شد و روزنامه همشهری و شهرداری تهران و فرهنگسراها و دفتر پژوهش‌های فرهنگی و خانه هنرمندان و حتی سازمان دانش‌آموزی، از جمله عرصه‌های تاخت و تاز سر سپردگان این تفکر بودند و بنیادهای آمریکایی نظیر «جستجو»، «کارنگی»، «سوروس» و «صندوق حمایت از دموکراسی» از آنان پشتیبانی می‌کردند. شیوه دیگر براندازی، استحاله سیاسی بود که از خرداد ۷۶ آغاز گشت و با حضور نیروهای دگراندیش در مصادر امور، حاشیه ای امن برای آنان ایجاد شد و احزاب سیاسی و سازمان‌های غیر دولتی اصلاح‌طلب! یکی پس از دیگری

عده‌ای از کسانی که نامزد انتخاباتی‌شان رای نیآورده بود - آنچنان که در بسیاری از کشورها متداول است - به عنوان اعتراض به خیابان‌ها آمدند و راهپیمایی کردند اما اگر مروری بر روند امور کشور و برنامه‌ریزی‌های نرم و گسترده دشمنان طی سال‌های پس از دفاع مقدس داشته باشیم، ابعاد و اهمیت حضور سرنوشت‌ساز و شکوهمند مردم در نهم دی ماه آشکارتر خواهد شد.

هرچند بعید است دشمن از سرمایه‌گذاری‌های خویش طی سالیان متمادی گذشته مایوس نشده باشد و چه بسا مهره‌های جدیدی را جایگزین مهره‌های سوخته کند و لذا هوشیاری ایجاب می‌کند که غائله فتنه ۸۸ را خاتمه یافته نینگاریم و در پرتو مشعل روشنگر نهم دی ماه، رد پا و اثر انگشت دشمن را هوشیارانه شناسایی کنیم اما بی‌تردید با شکست سیاسی جریان فتنه در این مقطع تاریخی، برخی پرده‌ها کنار

۹ دی ماه سال ۸۸ روزی بسیار به یاد ماندنی در تاریخ سیاسی ایران به حساب می‌آید و از همین روست که به‌نظر می‌رسد از هم اکنون باید به تبیین مفاهیم بلند این حماسه بزرگ پرداخت. ۹ دی ماه یک میتینگ سیاسی نبود، راهپیمایی‌ها هم نبود بلکه میثاقی دوباره میان مردم با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران آن هم بعد از ۸ ماه جنگ سیاسی بود. ۹ دی از آن جهت پر اهمیت و ویژه است که ناظر به مفهومی به نام جنگ نرم و براندازی است

روزشمار جمهوری اسلامی ایران، سرشار از حوادثی شگفت‌انگیز است که هر کدام به تنهایی عبرت‌آموز و قابل تامل و تعمق و تحلیل می‌باشد. اما در این میان برخی روزها از امتیازی خاص برخوردارند و یادآور رویدادی سرنوشت‌ساز هستند که می‌توان تعبیر نقطه عطف را درباره آنها به کار برد و نهم دی ماه ۱۳۸۸ یکی از آن روزهاست. البته اگر تحلیلی عمیق از اغتشاشاتی که حرکت پرشور مردم در نهم دی ماه بدانها خاتمه بخشید، نداشته باشیم، ممکن است تصور کنیم که





نمایان شدند و تحت حمایت مالی، فکری و سیاسی بیگانگان قرار گرفتند و دست‌اندرکاران این احزاب و سازمان‌ها، برای شرکت در کارگاه‌های آموزشی به آمریکا یا کشورهای دیگر سفر کردند تا برای اجرای مرحله بعد یعنی نافرمانی مدنی، دوره‌های لازم را طی کنند.

از جمله وظایف ابلاغ شده به این افراد خودباخته یا خود فروخته آن بود که با شناسایی و جذب نخبگان و شبکه‌سازی و نهادسازی و تولید جزوه‌ها و مطالب و برگزاری همایش‌هایی که جملگی هدف درازمدت براندازی را رصد می‌کرد، زمینه‌ای فراهم آورند برای:

۱- مشروعیت‌زدایی از نظام اسلامی، از طریق حمله به باورها و اعتقادات مردم
 ۲- اعتبار‌زدایی از نظام اسلامی با ناکارآمد جلوه دادن مسئولان و دولت‌مردان
 ۳- اعتماد‌زدایی از مردم نسبت به مسئولان از طریق وارد آوردن تهمت و دروغ‌گو خواندن آنان

تا مقدمات دو قطبی شدن جامعه و ایجاد شکاف بین مردم و مسئولان پیری یزی شود.

سرانجام شیوه و مرحله آخر بود که طی آن نیروهای مخالف نظام چنانچه نتوانستند از طریق پیروزی در انتخابات و نفوذ در حکومت، هدف براندازی را تحقق بخشند، با به کارگیری شیوه نافرمانی مدنی و با شعار دفاع از آرای مردم و

پافشاری روی مسئله تقلب و دروغ‌گویی و زیر سؤال بردن مراجع رسمی و قانونی، و با استفاده از تجربیاتشان در کشورهایی نظیر صربستان، گرجستان و اوکراین، برای براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی تلاش کنند.

نکته قابل توجه آنکه در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری نظام سلطه جهانی به برخی سردمداران هر سه جریان یعنی جریان سازندگی، جریان اصلاحات و جریان نافرمانی مدنی، نقش‌هایی واگذار کرد و خواص فریب خورده یا خائن، احزاب و تشکل‌های قدرتمند خود همچون کارگزاران، مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب را متحد و یکپارچه به صحنه آوردند تا با حمایت ضد انقلاب خارجی، ابتدا علیه انتخابات موضعگیری کنند و در گام‌های بعدی با انقلاب مردم و ارکان نظام اسلامی بستیزند و نهایتاً علیه مقدسات مردم و اسلام، موضعگیری نمایند.

اما آنان با شتابزدگی و قبل از موعدی که مقرر شده بود با عزاداران حضرت سید الشهدا (ع) درگیر شدند و نیات پلیدشان آشکار گشت. همان‌گونه که حضرت زینب (س) نیز با استناد به این آیه کریمه، سیر سقوط این‌گونه افراد را تحلیل فرمود: «ثم کان عاقبه الذین اساء السوء» ان کذبوا بایات الله» (سرانجام بدکاران آن شد که آیات الهی را تکذیب کردند.

سوره روم، آیه ۱۰)

و اینچنین شد که نهم دی ماه با محرم در آمیخت و عاشورایی دیگر شد و پرچم برافراشته و مشعل هدایتگر و کشتی نجات بخش امام حسین (ع) بار دیگر به یاری ملت ایران شتافت و حماسه‌ای ماندگار خلق کرد.

بر این اساس، واقعیت آن است که فضای ملامت از شبهه و توهم و فتنه سال ۸۸، آخرین مرحله از سال‌ها برنامه‌ریزی و توطئه دشمنان خارجی و یاران داخلی‌شان بود چنانکه رهبری معظم انقلاب اسلامی فرمودند:

«این فتنه منحصر به حضور عده‌ای افراد در خیابان‌ها نبود بلکه ناشی از یک بیماری بود که با اقدامات سیاسی و امنیتی قابل دفع شدن نبود و به یک حضور عظیم مردمی نیاز داشت که چنین هم شد.»

۹ دی آزمون وفاداری ملت ایران به اسلام

اما به راستی صحبت از حماسه نهم دی کاری دشوار است. در این روز راهپیمایان بسیار پرشور و شعور به خیابان‌ها آمدند و تجلی وحدت مردم با ولایت را به رخ جهانیان کشیدند. چهارشنبه ۹ دی ماه ۸۸ روزی بود که در آن مردم با بصیرت تمام مولای خویش را تنها نگذاشتند و برای محکومیت حرمت شکنان عاشورا





**نهم دی ماه،
تجلی دست قدرت خدا و
حرکتی ماندگار در تاریخ
انقلاب است.**
اعلام خاصه ای. س. م. س.

اصل ولایت فقیه آن هم در مراسم عزای سید و سالار شهیدان امام حسین(ع) در روز عاشورا آحاد ملت ایران را متالم و خشمگین کرد. این خشم مقدس آغازی بر پایان فتنه و پلکانی برای حرکت توفنده کشور در مسیر تعالی و پیشرفت بود. مردم بر عبور جریان فتنه از اصول نظام شوریدند. فتنه گران در روز قدس سال ۸۸ با سر دادن شعار نه غزه نه لبنان شعار سی ساله صهیونیسم ستیزی ملت ایران را زیر سؤال برده بودند. آنها در ۱۳ آبان همان سال با اعلام همپیمانی با آمریکا از مرزهای استکبارستیزی ملت عبور کرده بودند و در ۱۶ آذر ۸۸ با اهانت به ساحت مقدس حضرت امام و جسارت به تصویر ایشان ثابت کردند که تمامی ادعاهای گذشته مبنی بر پیروی از خط امام(ره) گزافه بوده است و در روز عاشورا آخرین تکه های پازل براندازی را کنار هم گذاشتند و با اهانت به مقدسات مردم در ایام عزاداری امام حسین(ع) و شعار علیه اصل ولایت فقیه ماهیت دین ستیزانه خود را به نمایش گذاشتند. این در حالی بود که سران این جریان کوچکترین اظهار تاسف و یا موضع گیری در محکومیت فتنه گران از خود بروز ندادند و حتی به کسانی که در روز عاشورا کف و سوت زده بودند و به هیئت های مذهبی حمله کرده بودند لقب "مردم خداجوی" دادند. اما حماسه تاریخی نهم

به هم آمیخته شده بودند. این بارهم دو طرف دم از اسلام و قرآن می زدند. این بارهم در دو سوی میدان صحابه و یاران قدیمی که برای اسلام شمشیر زده اند وجود داشت. اما مردم ایران اسلامی در ۹ دی با دفاع از ارزش های اسلامی و بیان اینکه ما حامی ولایت فقیه هستیم از این امتحان پیروز بیرون آمدند و نشان دادند که مردم آخرالزمان مردمی دیندار، بصیر و مومن هستند که دینشان را هرگز رها نمی کنند و از آن تا آخرین قطره خون به دفاع می پردازند. به تعبیری حماسه نهم دی ماه جلوه گاهی بود از غیرت و تعصب دینی که با شعور و بصیرت سیاسی گره خورد بود. در این روز همه آمده بودند تا بگویند «ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند.» همه آمده بودند تا بگویند اگر چه در کربلا توفیق حضور و شهادت برایمان رقم نخورد اما هم اکنون ایستاده ایم تا از عزاداران حسینی حمایت کنیم و در راه دفاع از آنها کشته شویم. نهم دی ۸۸ روز به یاد ماندنی بود که بی شک یاد آن همواره در تارک تاریخ خواهد درخشید. گستاخی هدفمند عده ای در اهانت و جسارت به قرآن، مساجد، حسینیه ها و تکیه ها، نذورات، عزاداران و مراسم حسینی، تخریب اموال عمومی، به بازی گرفتن مقدسات مردم و شعار علیه

بی دریغ همگی به پاخواستند. اما یکی از دلایلی که بر اهمیت حماسه ۹ دی می افزاید تبلور این حماسه مردمی در کوران فتنه است. در ۹ دی ۸۸ وقایعی رقم خورد که کشور ما چند ماه را در آتش فتنه ها گذرانده بود و حتی برخی از خواص نیز مردود مشروط شده بودند. اما مردم در بزنگاه خطر وارد عرصه شدند و تومار فتنه و فتنه گران را در هم پیچیدند. آنچه که ما از تاریخ سیاسی اسلام طی ۱۴ قرن گذشته درک می کنیم اهمیت ویژه مقاطع بحرانی و اقدامات مردمی در آن زمان است. اگر خلافت پس از پیامبر اکرم (ص) به جانشین اصلی اش نرسید، اگر امام حسن (ع) به صلح با معاویه تن داد، اگر اباعبدالله الحسین (ع) در عاشورا به خاک و خون کشیده شد همه و همه به خاطر غفلت های عوام و خواص در اوضاع فتنه بود. در اساس ماهیت فتنه و بلا به گونه ای است که در آن مرز های میان حق و باطل در هم تنیده می شود و دیگر نمی توان به سهولت جبهه حق و باطل را از هم تمایز داد. تاریخ اسلام مشحون است از بلاها و فتنه هایی که در آن عوام و خواص فریب حطام دنیا را خوردند و با انتخاب باطل به جای حق روی خود را مشوه ساخته اند. فتنه سال ۸۸ نیز یکی از آزمون هایی بود که یک بار دیگر جامعه اسلامی را آزمود. در این فتنه نیز فضا غبار آلود بود و حق و باطل



دی نشان داد جامعه ایران یک جامعه مذهبی، انقلابی، معتقد به خط امام خمینی(ره)، وفادار به ولایت فقیه و دارای سلاطین و علایق مختلف است. اما در اصول و محکمت خود که همان اسلام، انقلاب، ولایت فقیه، شعارهای استکبارستیزانه و صهیونیسم ستیزانه است یکصدا و مستحکم است. این شعار نیست بلکه واقعیتی است که حماسه نهم دی در کوران تبلیغات رسانه های بیگانه و فضا سازی سران فتنه به همه جهان ثابت کرد.

حماسه نهم دی سال ۸۸، مظهر عاشورای حسینی بود. این حماسه، نقش تعیین کننده ای در بقای نظام جمهوری اسلامی داشت و به ناکامی توطئه های شوم دشمنان انقلاب منجر شد. ملت ایران اسلامی در روز نهم دی سال ۸۸ با الگو گرفتن از امام حسین(ع) برای عقب راندن فتنه گران وارد صحنه شدند. فتنه افکنان بعد از انتخابات در پی تضعیف و خدشه دار کردن نظام جمهوری اسلامی بودند که با حضور آگاهانه مردم، اقدامات آنها خنثی و بی اثر شد. مهمترین پیام معظم له این بود که مردم آن زمان، امام حسین را در روز عاشورا و تاسوعا تنها گذاشتند اما امروز مردم نباید نظام جمهوری اسلامی را تنها بگذارند و باید همیشه در صحنه حضور داشته باشند. دشمنان باید بدانند ملت ایران اسلامی به شعارهای اصلی انقلاب اسلامی پایبند است و در مقابل

توطئه های دشمنان ایستادگی می کند. حضور مردم در صحنه ها بویژه در ۹ دی ۸۸ نشان دهنده پشتیبانی آنها از نظام جمهوری اسلامی است.

۹ دی: درباره هر طایفه و راجل سیاسی که در فتنه غوطه خورد و دانسته، سواری داد، به خیال امارت و گندم ری! روزی که «فرقان» و «میزان» شناسایی مرد و نامرد، خادم و خائن، و دوست و دشمن برای همیشه خواهد بود. آن روز دست خدا از آستین ملت بیرون آمد و آیت الهی در آینه مردم ما جلوه کرد تا هر نارفتی نتواند به نام ملت ایران سخن بگوید و در کام دشمن بریزد.

ندای لبیک یا حسین(ع) که روز نهم دی ماه ۱۳۸۸- سه روز پس از ماجرای عاشورا- میدان امام حسین تا میدان آزادی را پر کرد، لبیک به خمینی و خامنه ای بود. تحلیل گران روزنامه نیویورک تایمز آن شکوه شعور را درست دیده بودند که نوشتند «این تظاهرات، بزرگ ترین اجتماع در تهران از زمان تشییع پیکر آیت الله خمینی در سال ۱۹۸۹ به این طرف است. بسیاری در غرب به خاطر تمرکز بیش از حد روی فعالیت اپوزیسیون، چشم را بر حقیقت بسته بودند. اکنون وجود یک اپوزیسیون در ایران محل تردید است.» آن روز «لعن علی عدوک یا حسین- خ... و ک... و م.....» به درستی و به موازات شعار

مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل طنین انداخته بود تا معلوم شود اگر جماعتی جاه طلب و دنیاپرست دست رد بر سینه دشمن نزدند و به قول شیمون پرز به نیابت از دشمنان به جنگ جمهوری اسلامی آمدند، نزد ملت منفورتر از دشمنان خواهند شد.

عوامل موثر در شکل گیری حماسه نهم دی ماه

خون خدا: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.» مدیریت رهبری: عبور از فتنه ۸۸ و شکل گیری حماسه نهم دی ماه ۸۸ از جمله مواردی است که با نگرش به اصول مدیریت بحران به نقش اثرگذار رهبری در آن می توان اشاره نمود. در واقع نقش رهبری، گذر از فتنه و تحقق بصیرت ملی را در طول ۸ ماه جنگ تبلیغاتی فشرده دشمن به ارمغان آورد و اهمیت و جایگاه ولایت فقیه را بعنوان ستون خیمه نظام معنا نمود. واقعیتی که فوکویاما نظریه پرداز سیاسی جهان، از آن به عنوان جریان ولایت و استراتژی پرنده شیعه یاد می نماید.

بصیرت ملت ایران: بصیرت در تاریخ اسلام و ایران به عنوان یکی از سرنوشت ساز ترین خصوصیات افراد محسوب می گردد، که به کرات نداشتنش باعث گمراهی و بدنامی و داشتنش باعث مجد



توانایی جریان اصلاح طلب برای عملی ساختن آن روش ها بود.

سال ۸۸ زمانی بود که همه این پروژه ها با هم ترکیب شد و آنچه را که فتنه می خوانیم بوجود آورد.

چرا عده ای در سال ۸۸ سکوت کردند؟ راز شکل گیری فرقه ساکتین چه بود؟ چرا ندای هل من ناصر رهبر را نشنیدند؟ جواب ساده است: در فاصله ۸۴-۸۸ آنچنان فضایی از بددلی متقابل شکل گرفته بود که عده ای حتی وقتی گریبان چاک و شمشیر آخته ضد انقلاب وسط خیابان های شهر را هم دیدند باز بر این گمان بودند که این فی المثل دعوایی میان احمدی نژاد و موسوی است نه نزاع انقلاب و ضد انقلاب. راز سکوت، در اشتباه در تحلیل و تشخیص بود و این اشتباه از دل یک تجربه تاریخی بی نهایت اسف بار بیرون آمد که همچنان باید برای شناخت ابعاد آن وقت گذاشت.

توصیه های رهبری را به یاد بیاورید. نخست تاکید کردند که ۳ اصل کاری، مردمی و انقلابی بودن شاخص هایی جایگزین ناپذیر برای تشخیص نیروهای انقلاب از غیر آنهاست. سپس مکررا هشدار دادند که دشمن طرح هایی خطرناک در سر دارد و از یاران انقلاب خواستند هرگز از حفظ مرزبندی و فاصله خود با دشمن غفلت نکنند. پس از آن، تاکید کردند که هیچ عاملی جایگزین تصمیمی که مردم خود برای خود می گیرند نخواهد شد. در مرحله بعد، با تشریح پروژه دشمن هشدار دادند که ممکن است کسانی نادانسته بخشی از آن پازل را تکمیل کنند و از حیث نتیجه میان همراهی دانسته یا نادانسته با دشمن تفاوتی نیست. پس از آن تاکید کردند بزرگترین جنایت اهل فتنه نه وارد کردن خسارت هایی به جان و مال مردم بلکه امیدوار کردن دشمن و انرژی دادن به آن برای کلید زدن دور جدیدی از توطئه علیه ملت مسلمان ایران بوده است. همین توصیه را اگر اکنون از سر دقت مرور کنیم معلوم خواهد شد که تشخیص حق از باطل آنقدرها هم دشوار نیست. شاید مهم ترین حاصل این حقیقت که سایه ولی فقیه بر سر ماست، این است که همواره حجت بر ما تمام است و کسی مضطر و مجبور نیست.

تواند نشان دهد که دین و رهبری در این کشور غریب نیست و انصافا ۹ دی توانست هم استحکام دین و هم اقتدار رهبری را به دنیا نشان دهد. اگر به تحلیل و تفسیر محافل خارجی نگاهی بیندازیم درمی یابیم که میان آنچه پیش از ۹ دی گفته می شد و آنچه پس از این روز مطرح می گردید، فاصله ای بزرگ وجود دارد. بعد از ۹ دی روند توطئه خارجی کند نشد اما امید دشمن به کار در جغرافیای ایران و امید به کارایی عوامل فتنه از بین رفت و حرکت به سمت اقدامات خارجی نظیر تحریم و قطعنامه و دسته بندی های بین المللی پیش رفت و اولین محصول آن قطعنامه ۱۹۲۹ بود و صد البته خود آنان اعتراف کرده اند که جمهوری اسلامی با فشار خارجی از بین نمی رود. در واقع ۹ دی مهمترین نقص «مردم سالاری» را برطرف کرد. اگر در ایران ۹ دی نبود توطئه علیه مردم به ثمر می نشست همانگونه که در کشورهای دیگر توطئه به نتیجه رسیده است.

جریان اصلاح طلب در این مدت تلاش کرد پروژه های زیر را هر چه سریع تر به یک نقطه مطمئن برساند:

۱- در پیش گرفتن نوعی فرایند نقد درونی و بازشناسی آسیب های پروژه دوم خرداد

۲- تمرکز بر تخریب دولت به عنوان پوشش برای فتنه ای که در پیش داشتند.

۳- رسیدن به یک ائتلاف استراتژیک با هاشمی رفسنجانی برای رویارو ایستادن با تجربه اصولگرایی

۴- تکمیل فرایند شبکه سازی در داخل روی محیط های داخلی و مجازی با هدایت مستقیم طرف خارجی

۵- مسافرت های مکرر به خارج از ایران -و حتی امریکا- در چارچوب پروژه (hange) تبادل برای دریافت آخرین نسخه های عملیات نرم و نیمه سخت علیه نظام جمهوری اسلامی و گذراندن دوره های آموزشی مرتبط با آن

۶- میزبانی تعداد زیادی از عوامل سرویس های اطلاعاتی غربی در داخل ایران در پوشش پژوهشگر، استاد دانشگاه و ... که ماموریت همه آنها بومی سازی روش های جدید براندازی در ایران و برآورد میزان

و سر بلندی و موفقیت بوده است. در همین راستا یکی از ملموس ترین بی بصیرتی ها در خواص و نخبگان جامعه در جریان اغتشاشات بعد از انتخابات ایران رقم خورد جایی که برخی از خواص نیز سر در گریبان جیب خویش فرو برده دم بر نیاوردند، و با سکوت خود شعله های نادانی و غبار فتنه را دو چندان نمودند.

۹ دی و علل پیدایش آن

در جبهه سیاست و اعتقاد: «در جریان فتنه ۸۸ دشمن تلاش کرد در دو جبهه سیاست و اعتقادات و ارزش های دینی و فرهنگی شبیه آفرینی کند. این اقدام در روز عاشورا رخ داد و قصد داشتند با تحریف عاشورا دل های عزادار ملت را دوباره داغدار کنند.»

حذف ولایت: این دوران را باید یکی از پیچیده ترین شرایط سه دهه گذشته انقلاب اسلامی است که به واسطه آن خیلی از ظرفیت ها و واقعیت های جمهوری اسلامی مورد آزمون قرار گرفت. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی از ابتدای فعالیت های انتخاباتی در نیمه دوم سال ۸۷ با تیزبینی و دور اندیشی رهنمودهای خود را برای هدایت ملت مطرح کردند که عمل و توجه به آن راهگشای مردم و جریان ها و گروه های سیاسی بود.

کاش صدر اسلام هم ۹ دی... داشت .

۹ دی ، یک روز ویژه در تاریخ اسلام به حساب می آید چرا که در این روز مردم به میدان آمدند و مدعیان مردم سالاری- و به واقع جباران و دیکتاتورهای سفاک- که به نام مردم به بنیان های نظام مردمی و دینی می کوبیدند را سیلی زده و سر جای خود نشانند. کاش مولی علی بن ابی طالب (علیه السلام) هم یک روز ۹ دی داشت و کاش امام مجتبی (ع) و... و کاش در مشروطه یک ۹ دی به وجود آمده بود یا حداقل یک ۳۰ تیر داشت و...

نهم دی ماه روزی بود که مردم احساس کردند، با شرارت عناصر خارجی و داخلی جز آنان و حضورشان هیچ نیروی دیگری نمی تواند انقلاب و نظام را حفظ کند و هیچ کاری جز حضور گرم و متراکم نمی





حوزه‌های دانشگاه

وحدت حوزه و دانشگاه

به مناسبت ۲۷ آذر سالروز وحدت حوزه و دانشگاه



دکتر حسن نیلی احمدآبادی

این مسیر به نظر می‌رسد لازم است به سؤالاتی همچون: «مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه چیست»، «ضرورت وحدت» و «عوامل وحدت و تفرقه چیست»، پاسخ داده شود.

برخی انتظارات سطحی از وحدت، در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، به سمتی حرکت می‌کرد که فرجام نهال رابطه علم و دین را از همگرایی و تعامل به یأس و ناامیدی تبدیل می‌نمود، اما با درایت حضرت امام خمینی (ره)، همان مبتکر فرزانه وحدت، سرچشمه این انحراف مسدود گردید و تذکر داد که با اقداماتی مانند دیوار کشیدن بین جنس مخالف در کلاس درس، نه دانشگاه، اسلامی میشود، نه وحدت و همگرایی بین حوزه و دانشگاه بوجود خواهد آمد. اما اکنون نیز به دلیل شفاف نبودن انتظار از وحدت، در سطح خواص جامعه، متأسفانه نتوانستیم از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب، یعنی وحدت حداکثری حرکت کنیم، گرچه توفیقاتی در این راستا حاصل گردیده است. بنابر این با گرمی داشتن یک روز در سال و برپایی سمینارها و انتشار چند جلد کتاب و مقاله به عنوان وحدت حوزه

اندیشه وحدت حوزه و دانشگاه بود. این شهید والامقام در راه تحقق این اندیشه و آرمان بلند که از اندیشه بلند امام راحل (ره) برخاسته بود، تلاش‌های بی‌وقفه ای انجام داد. به پاس فعالیت‌های چشم‌گیر شهید مفتوح در راه تحقق وحدت حوزه و دانشگاه لزوم ارتباط، همکاری و هم‌فکری این دو قشر اندیشمند، روز ۲۷ آذر - که سالروز شهادت دکتر مفتوح نیز می‌باشد - روز وحدت حوزه و دانشگاه نام‌گذاری شده است.

از دیرباز رابطه حوزه و دانشگاه مورد توجه انظار مختلف قرار گرفته است، همان‌طور که رابطه علم و دین و چگونگی آن، از قدمت طولانی برخوردار است. اما آنچه در اینجا اهمیت دارد، اراده و عزم ملی برای رسیدن به یک آرمان جهانی و تمدن‌فراگیر دینی است که تنها راه دستیابی به آن، از مجرای «وحدت» خواهد بود، چرا که هرگاه سخن از وحدت آغاز می‌گردد در پی آن، مفاهیمی مانند: یکپارچگی، پیوستگی و یکنواختی به ذهن انسان تبادر مینماید و محصول تمام جنبش‌ها و انقلاب‌های بزرگ، در گرو وحدت خواهد بود. اما در

از جمله موضوعات دکترین انقلاب اسلامی، تئوری همگرایی و وحدت حوزه و دانشگاه است؛ به عبارت دیگر، ایجاد ارتباط حقیقی بین علم و دین است. بنابر این لازم است فرایند تحقق «وحدت» به طور دقیق، کارشناسی و ضابطه‌مند گردد تا؛ اولاً: از هر گونه آفتی در امان باشد. ثانیاً: به اهداف متعالی دست یابیم. لذا در ابتدا از تقسیم‌بندی وحدت آغاز نموده و سپس تلاش شد به تبیین انتظارات سره و نقد برخی از انتظارات ناسره از وحدت پرداخته شود.

همچنین به تحلیل منشور جریان وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره) مبادرت گردید و در پی آن، بحث ضرورت وحدت به میان آمد. در ادامه، عوامل ایجاد و راهبردی وحدت برای استحکام ارکان حکومت دینی بیان شد. و برای فعال نمودن پدافند غیر عامل، تلاش شد، عوامل سلبی وحدت که از دو جبهه داخلی و خارجی برای جلوگیری از اتحاد ملی در جامعه دینی است، شناسائی شود.

بیست و هفتم آذرماه، یادآور شهادت و عروج مجاهدی خستگی‌ناپذیر و عالمی ربانی، آیت ... مفتوح، است که از پیشروان



دانش حوزه‌ها

و دانشگاه، با اینکه مفید می‌باشند، ولی این امور، وحدتی حداقلی را در پی خواهد داشت و کافی نخواهند بود. برقرار وحدت حداکثری عزم عموم اندیشمندان و نخبگان حوزه و دانشگاه را با سازوکاری جامع می‌طلبد تا انتظار حقیقی از وحدت را تبیین، تحلیل و توضیح دهند، و اجازه ندهند انتظارات سطحی و بی نتیجه به جای انتظارات اصلی در جامعه نهادینه گردند. برخی از انتظارات نادرست و کاذب از رابطه یا وحدت حوزه و دانشگاه به قرار زیر می‌باشند:

۱- یکپارچگی در ساختار مدیریتی حوزه و دانشگاه.

۲- همسان سازی ظاهر حوزه و دانشگاه بر اساس ظواهر دینی (هر چند پرداختن به ظاهر و شعائر دینی نه تنها در دانشگاه بلکه در تمامی نهادهای درون حاکمیت جامعه اسلامی لازم است، اما اجرای آنها صرفاً موجب اسلامی شدن دانشگاه نخواهد بود).

۳- وارد ساختن دروس یک نهاد در برنامه آموزشی دیگر (ارائه چند واحد درسی مانند معارف، تاریخ اسلام و غیره در دانشگاه و مطرح کردن چند واحد درسی دانشگاهی در حوزه، در عین ارزشمند بودن، نمی‌تواند به معنی برقراری وحدت این دو نهاد تلقی شود).

۴- وحدت در روش تحقیق حوزه و دانشگاه، اعم از تجربی، عقلی و نقلی. به عبارت دیگر، روش تحقیق در این دو نهاد را باید بر اساس یک جهت واحد پی ریزی نمود یعنی روش تحقیق در دانشگاه اگر بر اساس تجربه و حس صورت می‌گیرد در حوزه هم از همین روش استفاده شود. همان طور که ملاحظه شد، انتظارات مزبور، یا اموری سطحی بوده و از عمق لازم برخوردار نیستند و باعث بوجود آمدن

وحدتی کارا نخواهند شد، و یا اموری بی نتیجه تصور می‌شوند.

انگاره ضرورت وحدت، هنگامی آشکار می‌گردد که حوزه و دانشگاه برای تثبیت پایه‌های فکری و کاربردی حکومت دینی، احساس مسئولیت یکسان داشته باشند؛ زیرا در صورت پذیرش حکومت دینی، وحدت این دو نهاد معنی پیدا می‌کند و در همین راستا، نیاز به پژوهشهای نظری و عملی در زمینه‌های علوم انسانی و طبیعی، ضرورت پیدا می‌کند که بخشی از تحقیقات مورد نیاز، به عهده حوزه است و بخش دیگر آن نیز به عهده دانشگاه می‌باشد.

اما در چه جایگاهی باید وحدت پدید آید؟ این حقیقت هنگامی آشکار می‌گردد که فرایند پژوهش مشخص گردد؛ زیرا هر مسأله‌ای متوقف بر سه سازه، یعنی: مواد، مبانی و منابع است. از آنجا که مواد و مبانی هر علمی بر اساس روش و نوع کارآمدی خاصی سامان می‌یابد در نتیجه این دو سازه در همه علوم، متفاوت است؛ به این دلیل که موضوع مسائل با هم یکسان نیستند، اما همه علوم می‌توانند در یک سیستم مشترک و هماهنگ با استراتژی همسان بر محور یک منبع واحد حرکت کنند. و این منبع همان «وحی» است که حوزه و دانشگاه باید مسائل خود را تحت هدایت و کنترل آن قرار دهند. البته مقصود این نیست که علوم تجربی و حسی، تبدیل به علوم نقلی شوند، یعنی علوم دانشگاهی همانند علوم حوزوی شوند، بلکه بین علوم حوزوی و علوم دانشگاهی باید یک هماهنگی و تناسب در جهت و هدف پدید آید. همان طور که هماهنگی بین علوم پایه و علوم کاربردی باعث نظری شدن علوم کاربردی و کاربردی شدن علوم پایه

نخواهد شد؛ زیرا هدف این است که هر علمی با فرایند تکون خود، بر اساس یک روش منطقی از دین، به عنوان منبع، تأثیر پذیری داشته باشد. تا در سایه چنین دستگاہی بتوان به راهبرد تبیین فلسفه «علم دینی» دست یافت، و الا وحدت حوزه و دانشگاه، یک وحدت اجتماعی، سیاسی و اخلاقی است که این وحدت در همه سطوح جامعه جریان دارد و منحصر به این دو نهاد نیست.

با این روش، آنچه ظهور پیدا می‌کند، همان حضور حداکثری دین در تمام لایه‌های اجتماعی، سیاسی، علمی، اقتصادی، فرهنگی و ... جامعه است، که بر اساس این دیدگاه، «دین» نه تنها حاکم بر دانشگاه است، بلکه بر حوزه نیز حاکم خواهد بود، در نتیجه با توجه به این دیدگاه، دین در انحصار یک گروه خاص نخواهد بود و در تمام سطوح جامعه جاری است. یعنی به نسبت ظرفیتی که در دانشگاه و حوزه برای پذیرش دین ایجاد می‌گردد، به همان نسبت، دین در هر یک از این دو نهاد جاری می‌شود، ولی آنجا که فهم سطوح عالی دین، از توان عامه خارج می‌شود، در این مرحله، فهم دین به حکم عقل در انحصار تخصص قرار می‌گیرد نه در انحصار یک طیف خاص. چنانکه درک سطوح عالی علوم تجربی و حسی که از حد فهم عامه مردم بالاتر می‌رود، به حکم عقل در اختیار تخصص قرار می‌گیرد نه در انحصار یک گروه خاص؛ لذا این نوع از انحصار، بر اساس استبداد و خودگامگی نیست، بلکه بر مبنای حکم عقل و عقلا است. بنابراین، وجود وحدت به صورت عام برای همه اقشار و به طور خاص برای اندیشمندان یک جامعه، ضرورت اجتناب ناپذیر است.



آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی

سبک زندگی (شماره ۴) به مناسبت سالگرد رحلت آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی

دکتر محمدرضا طلائی، استادیار دانشکده راه آهن

mrtalae@iust.ac.ir



مروری کوتاه بر زندگی نامه

اهتمام ویژه داشت. حضرت آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی، طبق رسم خاندان‌های علم و معرفت، تحصیل در علوم دینی و اشتغال به علوم حوزوی را از دوران کودکی آغاز نموده و در امر تحصیل علوم، جدیت فوق‌العاده‌ای داشت. ایشان با هدایت و ارشاد والد بزرگوار خود از پنج سالگی به مکتب رفت و در سن ۱۰ سالگی بخشی از مقدمات را در مدرسه حاج ابوالفتح تهران گذراند. سپس به همراه پدر خود برای مدت سه سال به مشهد مقدس مهاجرت کرده و

در سایه الطاف حضرت علی بن موسی الرضا (ع) مشغول به گذراندن دروس مقدمات گردید و به دلیل هوش و استعداد سرشار، به‌طور خصوصی از محضر ادیب نیشابوری بهره برد. در سال ۱۳۳۴ هـ ش در سن ۱۸ سالگی به قم مهاجرت کرد تا در حوزه نوپای آن دیار، حضور یابد و دروس سطح خود را به اتمام رسانده و از محضر مراجع تقلید بهره برد. حضرت استاد با جدیت و پشتکار بسیار، دروس سطح را به سرعت تمام کرد و به محضر علمی بزرگانی چون امام خمینی، مرحوم

حضرت آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی در سال ۱۳۱۶ هـ ش در خانواده‌ای از اهل علم، معرفت و شهادت در تهران به دنیا آمد. پدر ایشان مرحوم آیت الله میرزا عبدالعلی تهرانی، از شاگردان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، فقیهی مجاهد و عارفی سترگ بود که در زمان تاریک حکومت پهلوی اول، با همراهی و رفاقت مرحوم آیت الله شاه‌آبادی بزرگ، به اقامه جماعت در مسجد جامع بازار تهران مشغول بود و در امر تربیت نفوس مستعد و هدایت گمراهان و جاهلان





آیت‌الله العظمی بروجردی، آیت‌الله العظمی گلپایگانی، علامه طباطبایی، آیت‌الله داماد و آیت‌الله فرید راه یافت. ایشان با نبوغ و پشتکاری که از خود نشان دادند، در سن ۲۵ سالگی به درجه رفیع اجتهاد رسیده و به‌زودی توانستند از نزدیکان و خصیصین حضرت امام قرار گیرند. مقبولیت علمی ایشان نزد استاد خویش، به‌اندازه‌ای بود که حضرت امام به طلبه خوش‌استعداد و جوان خود اجازه داد تا تقریرات و نوشته‌جات درس بیع شان و مکاسب محرمه و دو‌جلد رسائل اصولی ایشان را جمع‌آوری کرده و به صورت یک اثر مستقل منتشر نماید. همچنین بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی حضرت امام، حاج‌آقا مجتبی تهرانی را مأمور به جمع‌آوری فتاوا و تنظیم صحیح‌ترین نسخه از رساله عملیه و مناسک حج خویش گرداند که در سال ۱۳۴۳ هـ.ش به چاپ رسید. حضرت استاد برای انجام این امر مهم، ضمن بهره‌گیری از دست‌نوشته‌های متعدد استاد خویش، با ایشان هم‌بحث شد و رساله‌ای دقیق و علمی آماده کرد که بعدها جزو دقیق‌ترین رساله‌های منسوب به امام خمینی مطرح گردید.

حضرت استاد، در سال ۱۳۴۷ هـ.ش به نجف هجرت کرد و در مدت سه‌سال که در نجف اشرف مشغول به خودسازی در امور معنوی، تدریس کفایه در مدرسه آیت‌الله بروجردی و تحصیل در محضر حضرت امام بودند، در درس‌های خارج اصول مرحوم آیت‌الله العظمی خویی و درس آیت‌الله العظمی حکیم حاضر می‌شدند. این سفر پربرکت، زیاد طول نکشید و حضرت امام به ایشان امر کردند که به ایران برگشته و در تهران حضور داشته باشند. لذا ایشان در اواخر سال ۱۳۴۹ هـ.ش به زادگاه خود بازگشت و به کارهای مهم و برزمین مانده مشغول گردید.

حضرت استاد از سال ۱۳۵۱ هـ.ش ضمن اقامه جماعت در مسجد جامع بازار، تشکیل جلسات اخلاق و تفسیر برای جوانان در همان سال‌ها، تربیت و هدایت جوانان انقلابی را به‌دست گرفتند.

بعد از پیروزی انقلاب ایشان، همچنان به صورت گمنام و مؤثر به تربیت نیروهای جوان و کارآمد برای انقلاب اسلامی پرداختند. در سال ۱۳۶۴ هـ.ش با قبول کردن تولیت مدرسه مروی توسط آیت‌الله مهدوی کنی، دروس خارج فقه را مجدداً در مدرسه مروی آغاز نمودند. جلسات درس خارج ایشان مملو از طلاب سطوح

عالی بود که برای انجام وظیفه به تهران آمده بودند و از فضای علمی قم فاصله داشتند. در قوت علمی این فقیه متبّع ذکر همین نکته کافی است که ایشان در طول عمر شریف خویش، توفیق یافت که بیش از سی و دو مرتبه کتب اربعه شیعه را مرور کند و اغلب عبارات آن را در ذهن حاضر داشته باشند.

از طرفی دیگر، جلسات عمومی اخلاق و معارف اسلامی که قبل از انقلاب نیز برپا بود و از سال ۱۳۵۹ هـ.ش به طور منظم و هفتگی دائر می‌گردید، مأمور بی‌نظیری برای بسیجیان مخلص حضرت روح‌الله و سکوی پرشی برای دلدادگان و حیات‌یافتگان انقلاب اسلامی بود. سرانجام این مرجع بزرگوار تقلید، فقیه وارسته و استاد بزرگ اخلاق، پس از ۴۰ سال خدمت صادقانه در نشر معارف اسلامی و ترویج مکتب حقه اهل‌بیت عصمت و طهارت در دی‌ماه سال ۱۳۹۱ هـ.ش بعد از گذراندن یک دوره طولانی بیماری و پس از تحمل فشارها و صدمات ناشی از آن، در آستانه اربعین سالار شهیدان به‌سوی مولای خویش سفر کرد و در روز اربعین با اقامه نماز توسط رهبر انقلاب و با یک تشییع با شکوه در صحن و سرای حضرت عبدالعظیم حسنی آرام گرفت.

برگرفته از سایت حفظ و نشر آثار استاد آقا مجتبی تهرانی

بحث ما در زمینه سبک زندگی بود و از منظر تربیت در خانواده از کلام حاج آقا مجتبی بهره می‌گرفتیم. در ادامه به درس دیگری در زمینه محور در تربیت فرزند در خانواده می‌پردازیم:

آغاز کار، ساختن ظاهر است.

اهل معرفت به این نقطه‌ی شروع اشاره دارند که من ابتدا جملاتی را هم از آنها می‌خوانم و بعد توضیح می‌دهم. در باب تربیت می‌فرمایند: «اگر انسان بخواهد از نظر باطنی و حقیقی اصلاح شود، تنها راهش گذر از ظاهر به باطن است». بحث ما این است که می‌خواهیم حیوان نباشیم و آدم بشویم؛ یعنی می‌خواهیم مایه امتیاز انسانی خود را شکوفا کنیم. مثلاً اگر اهل معنویت هستیم، می‌خواهیم نورانیت قلبیه پیدا کنیم؛ اگر اهلش هستیم، می‌خواهیم عالم غیب را شهود کنیم؛ اگر می‌خواهیم این کارها را بکنیم، بزرگان می‌گویند که این منزل یک راه بیشتر ندارد؛ آن راه



منحصر هم این است که از راه ظاهر به باطن برویم.

انسانیت در گرو التزام به شرع است.

ما تعبیراتی از اهل معرفت داریم که مثلاً (امام) رضوان الله تعالی علیه که البته من هر چه دارم از استادم دارم- می‌گویند: «بدان که هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمیشود مگر آنکه انسان ابتدا کند از ظاهر شریعت؛ و تا انسان مؤدب به آداب شریعت حقه نشود، هیچ یک از اخلاق حسنه (که همان انسانیت است) از برای او، به حقیقت پیدا نشود و نور معرفت الهی در قلب او تابش نکند». این جملات هم به بُعد معنوی مسأله اشاره میکند. منظور امام از آداب ظاهریه چیست؟ منظور ایشان همین احکام شرعیه است. اینها آدم ساز است.

ضرورت آموزش ظواهر به فرزندان

الآن درباره تربیت فرزند در محیط خانوادگی بحث میکنیم. چون روایات آن را هم قبلاً اشاره کرده‌ام، دوباره تکرار نمیکنم.

ولی دیدید که تربیت فرزند چقدر آداب دارد. بعد از دوران خردسالی هم روایات می‌گویند که وقتی بزرگ شد، باید روزه را به او یاد داد؛ نماز یادش داد؛ وضو یادش داد؛ من قبلاً اینها را گفته‌ام. از علی (علیه السلام) است که فرمود: «أَدَّبْ صِغَارَ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالطَّهْوَرِ [۱]». کوچکترهای خانواده ات را با زبانت برای



نماز و وضو تربیت کن!
(امام صادق علیه السلام): ((يُؤَدَّبُ الصَّبِيُّ عَلَى الصَّوْمِ)) [۲] بچه باید برای روزه گرفتن تربیت شود، بعد هم سن این کار را مشخص میکنند، میفرماید این کار بین پانزده و شانزده سال انجام شود. از ظاهر شریعت باید شروع کرد. از شکل و شمایل، پوشش و صحبت کردن باید شروع کنی، تا بررسی به روابطی که با دیگران-اشخاص صالح و فاسد- داری؛ همه اینها باید بر اساس شرع تنظیم شود تا باطن اصلاح گردد.

تذکر اول: فرق میان اصلاح ظاهر و ظاهرسازی

اما من در اینجا باید به دو نکته اشاره کنم که مغالطه ای صورت نگیرد. اول اینکه ما یک ظاهر و باطن داریم، یک سرّ و علن. اینکه بزرگان میفرمایند از ظاهر میتوان به باطن رخنه کرد، یعنی اینکه اگر آدمی در تمام جهات مقید باشد که مطابق اسلام عمل کند، مثلاً از نظر پوشش، شکل و شمایل، گفتار و رفتار با دیگران و همه ی زندگی اش اسلامی باشد یا تلاش کند که اسلامی باشد، در حقیقت از راه ظاهر اقدام به اصلاح باطن کرده است.

من این نکته را بگویم که ریاکاری اثری ندارد. وقتی من جلوی تو دعا میخوانم، خم و راست میشوم، ادعای معنویت می کنم، دعای فرج میخوانم، دعای توسل میخوانم، سینه میزنم، پابرنه راه میافتم،

شال عزا به گردن میاندام و امثال اینها -همه چیزهایی که جنبه فریبندگی دارد را میگویم- ولی در سرّ و خفا، به صورت پنهانی کار خلاف انجام میدهم، این ظاهرسازی است و اثر سازندگی ندارد. مسأله نفاق، همین است. ظاهر و باطن را با سرّ و علن یک وقت اشتباه نکنید. می خواستم این را بگویم که تفاوت سرّ و علن، نفاق است. نفاق هم بدترین کارها است. حتی میگویند از کفر هم بدتر است. در آیات ما هم این مضمون هست. تذکر دوم: باید به تمام دین پای بند بود نه بخشی از آن

دومین تذکر این است که آداب شریعت، یک مجموعه است. یک بخش نیست؛ نماز و روزه و وضو و ذکر نیست، که این را رعایت کنی، اما مال مردمخوری کنی! هرگز اینطور نیست که بتوانی به بخشی از دین عمل کنی و بخش دیگر را رها کنی. دستورات و احکام اسلام مجموعه است. مجموعه احکام شرعیه، همان احکام ظاهریه است که اگر اینها را رعایت کنی، بدون شک در تو اثر میگذارد. یعنی آن بُعد انسانی تو را شکوفا میکند و بُعد الهی تو را هم به ثمر مینشانند.

اگر بررسی از کجا شروع کنیم؟ پاسخ این است که از اینجا باید شروع کرد: پای بندی به تمام دستورات شرع اینطور نیست که یک کسی باطن خوب داشته باشد، در عین حال ظاهر بدی داشته باشد. من اینها را میگویم چون اینها خیلی این حرفها بر سر زبانها میگردد. میگویند: به ظاهرش نگاه نکن! باطن خوبی دارد. از آن طرف، میگوید برو دلت را صاف بکن!

[۱]- مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۵۵
[۲]- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲



آشنایی با جریان موازی سلفیت تکفیری در شیعه

دکتر رسول سنایی راد



به موازات جریان‌های تکفیری منتسب به اهل سنت که آتش فتنه را به جان مسلمانان انداخته و پدیده اسلام‌هراسی را به نفع صهیونیست‌های مسیحی تقویت می‌کنند، جریان تکفیری دیگری؛ منتسب به اهل تشیع و مدعی مرجعیت نیز با اهانت به مقدسات اهل سنت و تبلیغ خرافه‌های مذهبی منتسب به شیعه به اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی و بهانه‌تراشی به سود تکفیری‌های سنی رو آورده‌اند که محوریت آن در بیت سیدصادق شیرازی مدعی مرجعیت شیعه قرار دارد. این جریان مشکوک که با گذشت زمان، وابستگی آن به استعمار پیر انگلستان، آشکارتر می‌گردد بدنبال توسعه نفوذ خود به هیأت‌های مذهبی و ترویج نوعی سکولاریسم می‌باشد. تشدید فعالیت‌های این جریان همزمان با راهبرد جهان غرب به بهره‌برداری از شکاف‌های قومی-مذهبی برای فتنه‌انگیزی در جهان اسلام و فرسایش توان مسلمانان و جلوگیری از احیاء تمدن اسلامی با به راه انداختن آتش اختلافات درونی، انگیزه‌ای برای معرفی آن فراهم ساخته که این نوشتار بدنبال تأمین آن است. در این نوشتار به بررسی یکی از این جریان‌های تکفیری که در سالهای اخیر فعالیت بیشتری داشته است، می‌پردازیم

مسلمین، برخوردار از عملکرد مشکوکی است که بوی عمل به دستورات اتاق‌های فکر و ایسته به جهان غرب به‌ویژه انگلیس و آمریکا را برای پیاده‌سازی تز ((اختلاف بی‌فک، حکومت کن))، می‌دهد. اقدامات متفرقه افکنانه و مشکوک این جریان عبارتند از:

۱- تاکید بر مسائل اختلافی شیعه و سنی
این جریان نه تنها اسلام عربی را مقابل اسلام عربی می‌گذارد، بلکه با اهانت به مقدسات اهل سنت و تشویق هواداران به سب و فحاشی علیه سه خلیفه و عایشه زوجه حضرت نبی، به احساسات مذهبی اهل سنت علیه شیعه دامن زده و در مقابل بزرگداشت هفته وحدت که از ۱۲ تا ۱۷ ربیع است، ایام ۹ تا ۱۵ ربیع‌الاول را هفته برائت نامیده است.

۲- ترویج خرافه‌ها و اعمال غیرمتعارف مذهبی
در حالی که اکثر مراجع بزرگ شیعه، اعمالی چون قمه‌زنی را

اتخاذ کرده و برای پیشبرد اهداف سیاسی خود حتی از اهانت علیه مراجع گرانقدری چون آیات عظام بهجت، مکارم شیرازی، حسن زاده آملی، شهید مطهری و رهبر معظم انقلاب فروگذار نبوده است. پایگاه اصلی سیدصادق شیرازی عراق بوده و مقلدین وی عمدتاً در کشورهای عربی و تعدادی در ترکیه می‌باشند. جالب این که شیرازی ها برخلاف داشتن ریشه‌ی ایرانی امروز مروج ناسیونالیسم عربی بوده و مدعی دفاع از اسلام عربی در برابر اسلام ایرانی هستند که برگردان همان اسلام صفوی مورد ادعای گروهک‌های بعثی و تکفیری امثال داعش می‌باشد.

ب- حرکت روی خط تفرقه و تحریک این جریان علیرغم آشنایی با تاریخ و فضای جهانی که گویای سوءاستفاده دشمنان اسلام از اختلاف در بین مسلمانان است و اطلاع از آثار شکل‌گیری وحدت در جهان اسلام و روحیه جهادی در برابر بیگانگان برای صیانت از عزت اسلام و

الف- معرفی جریان شیرازی‌ها
شیرازی‌ها بازمانده خاندان معروف و شاخص فقاہت و مرجعیت در ۱۵۰ سال گذشته‌اند که شخصیت‌هایی چون آیت‌الله سیدحسن شیرازی معروف به میرزای شیرازی، صاحب فتوای مشهور تحریم تنباکو و آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی رهبر مقابله با اشغال عراق توسط انگلیس را پرورش داده‌اند اما پس از فوت آیت‌الله سیدمهدی شیرازی، مرجعیت در این خاندان به بازیچه‌ای سیاسی تبدیل و به انحراف کشیده شد. سیدمحمد فرزند ارشد ایشان در دهه ۴۰ شمسی در عین نداشتن صلاحیت مرجعیت، ادعای مرجعیت نمود. این ادعا با مخالفت حضرات آیات سیدابوالقاسم خوینی و سیدمحمد شاهرودی بزرگ مواجه و پانگرفت. در عین حال با فوت سیدمحمد، برادرش سیدصادق همان مسیر را ادامه داد. این جریان جنگ با صدام را برادرکشی نامیده و مواضعی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی





آن تشیعی که از لندن و آمریکا بخواید برای دنیا پخش بشود، آن تشیع به درد شیعه نمی خورد. امام خامنه ای

تیره ساختند، به گونه‌ای که پس از استقرار سیدمحمد شیرازی در کوبت او و حامیانش، حملاتی را علیه امام(ره) صورت داده و حتی مدعی تفسیق و تکفیر ایشان شدند. این روند پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه داشت و علیرغم روشن بودن ماهیت صدام و حامیان شرقی و غربی او در جنگ ۸ ساله جریان شیرازی حتی پس از ورود به جمهوری اسلامی این جنگ را برادرکشی نامیده و با طرح نظریه ((ولایت شورای مراجع)) مقابل نظریه((ولایت فقیه))، و حاکمیت ولی فقیه موضع گیری داشت که سیدصادق هم همان را ادامه داده است.

۲- ترویج اسلام خنثی و بی اثر و مبارزه با مبانی اسلام انقلابی و در رأس آن ارزشی‌های جهادی و شهادت که با توصیه علنی مداحان و هیأت‌های مذهبی به جمع آوری عکس شهدا و مسکوت گذاشتن مفاهیم جهاد و شهادت و اسم نیاوردن از شهیدان تجلی می‌کند.

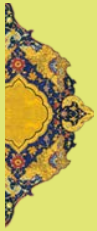
صانعی روابط حسنه‌ای دارد. ج- جاده صاف کن سلطه غرب و مروج سکولاریسم جریان منتسب به آقای سیدصادق شیرازی، که مدیون شهرت نیاکان مبارزی چون میرزای شیرازی صاحب فتوای تنباکو و میرزامحمد تقی شیرازی رهبر مبارزه با اشغالگران انگلیسی در عراق بوده و به خط انگلیسی‌مذهبی‌دایی از سیاست و سکولاریسم آشنایی دارند، انحراف خود را در عرصه عمل از پیشینیان مبارز خویش با دفاع از جدایی دین از سیاست و همراهی با جهان سلطه برملا ساخته‌اند که موارد ذیل شاخص‌های این انحراف بزرگ است:

۱- این جریان در دوره سیدمحمد شیرازی علیرغم استقبال اولیه از حضرت امام خمینی(ره) در دوره تبعید به عراق و خواندن نمازجماعت پشت سر ایشان، پس از اطلاع از خط مبارزه و نظریه ولایت فقیه ایشان، به تدریج رابطه خود را با معظم له سرد و سرانجام

شنیع و حرام دانسته و با آگاهی از قضاوت ناظران غیرشیعه به استفاده از زنجیر تیغ‌دار و راه رفتن روی خار و آتش و ... عزاداران را از چنین اعمالی برحذر می‌دارند، جریان شیرازی مهمترین مصادیق بزرگداشت شعائر حسینی را در مواردی چون قمه‌زنی، استفاده از زنجیر تیغ‌دار و راه رفتن روی خار و آتش و ... در مراسم عزاداری دانسته و تنها از هیأت‌هایی که به این اقدامات مبادرت می‌ورزند پشتیبانی مالی می‌کنند.

۳- حرمت‌شکنی حریم مراجع و توهین به علما گرچه اولویت این جریان، نفوذ به بیوت مراجع و علماء دینی است ولی آنجا که از این خط بازمانده و نتوانند همراهی مراجع و علما را کسب کنند رو به هتاک و بی‌اعتبارسازی آنان می‌آورند که حرمت‌شکنی علیه آیات عظام بهجت، مکارم و امام خامنه‌ای نمونه آن است. در عوض این جریان با برخی مدعیان مرجعیت مثل آقای





ویژگی‌های جریان شیرازی‌ها این است که این جریان با در اختیار داشتن دهها شبکه ماهواره‌ای و سایت اینترنتی تحت عناوین مقدسی چون شبکه جهانی امام حسین(ع)، شبکه جهانی چهارده معصوم و... به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی و ترکی و... فعالیت می‌کند. این شبکه‌ها در حالی با بهترین کیفیت اداره می‌شوند که رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران تحت تحریم قرار داشته و حتی به شبکه قرآن جمهوری اسلامی ایران اجازه فعالیت داده نمی‌شود.



یکی از شروط این جریان در کمک‌هایشان به هیأت‌های مذهبی سخن نگفتن از شهید و شهادت می‌باشد. همچنین اعضاء وابسته به این جریان در سخنرانی‌های خود هیچ نامی از امام و رهبری نبرده و سکوت نسبت به سرنویشت انقلاب اسلامی را ترجیح می‌دهند. ۳- سکوت جریان شیرازی در برابر جنایات گروهک‌های تکفیری، اشغالگران غربی و جنایات رژیم صهیونیستی همراه با حمله حزب‌الله و سیدحسن نصرالله قهرمان مبارزه با سلطه صهیونیست‌ها بر سرزمین‌های اسلامی یکی دیگر از شاخص‌های تفکر سکولار این جریان انحرافی است که در مهمترین مسائل جهان اسلامی موضع انفعالی می‌گیرد. ۴- شبکه‌سازی برای ترویج افکار انحرافی

جریان انحرافی شیرازی‌ها با در اختیار داشتن منابع مالی وسیع و حمایت دولت انگلیس و سرویس‌های اطلاعاتی برخی کشورهای عربی توان بالایی در ایجاد شبکه‌های اجتماعی مجازی و حقیقی دارد که در قالب‌های زیر پیاده شده است.

۱- شبکه مداحان و عناصر تبلیغی: بهره‌برداری از عواطف و احساسات مذهبی یکی از شیوه‌های توسعه نفوذ این جریان است که با ارتباط‌گیری با هیأت‌های مذهبی،

حوزه‌های علمیه، مداحان و طلاب و روحانیون و پیشنهادهای مالی و حل مشکلات آنها دنبال می‌شود. هیأت‌ها و مداحانی که گرایش افراطی به تحریک احساسات و استفاده از شیوه‌های نامتعارف و جنجالی مثل قلم‌زنی و اهانت علیه مقدسات اهل سنت دارند، از جمله اهداف اصلی این جریان برای وصل به شبکه تبلیغی به‌شمار می‌آیند.

۲- تأسیس مؤسسات دینی یکی از شبکه‌های فرهنگی و اجتماعی این جریان با تأسیس حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی اجتماعی مثل کتابخانه و صندوق قرض‌الحسنه شکل گرفته که گفته می‌شود به ۱۰۰۰ مؤسسه در زمینه‌های مذهبی، مالی، اجتماعی، علمی و فرهنگی می‌رسد. تنها در داخل کشور ۱۷ حوزه علمیه و ۲۳ کتابخانه و دهها صندوق قرض‌الحسنه در اختیار این جریان انحرافی می‌باشد.

۳- شبکه وسیع رسانه‌ای بهره‌برداری از فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای از جمله ویژگی‌های جریان شیرازی‌ها است که با سخاوت و حمایت انگلیس و سرویس‌های دول غربی تبدیل به شبکه‌ی گسترده و توانمندی شده

است. این جریان با در اختیار داشتن دهها شبکه ماهواره‌ای و سایت اینترنتی تحت عناوین مقدسی چون شبکه جهانی امام حسین(ع)، شبکه جهانی چهارده معصوم، شبکه ماهواره‌ای فدک، شبکه ماهواره‌ای حضرت ابوالفضل، شبکه جهانی مرجعیت، شبکه القائم، سایت عقاید شیعه، سایت حرم امام حسین(ع) و... به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی و ترکی و... فعالیت می‌کند. این شبکه‌ها در حالی با بهترین کیفیت اداره می‌شوند که رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران تحت تحریم قرار داشته و حتی به شبکه قرآن جمهوری اسلامی ایران اجازه فعالیت داده نمی‌شود. جالب اینکه شبکه فدک که توسط یاسرالحبيب داماد سیدمجتبی شیرازی اداره می‌شود در لندن قرار داشته و





هیچ مزاحمتی از سوی انگلیس علیه آن صورت نمی‌گیرد. ۴- ارتباط آشکار با پیراستعمار و سرویس‌های اطلاعاتی نه تنها شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی این جریان بدون هیچگونه مزاحمتی با عناوین مذهبی فعال می‌باشند و انتقال پول به راحتی از طریق شبکه‌های بانکی کشورهای مختلف برای آنها مقدور است، عناصر اصلی شبکه‌های رسانه‌ای آنها در انگلیس مستقر می‌باشند. عناصر اصلی که در دامن پیر استعمار مشغول فرقه‌سازی هستند، عبارتند از مجتبی شیرازی و یاسر الحبیب داماد وی که چند سال قبل، پس از اهانت به عایشه و مقدسات اهل سنت توسط عوامل پلیس کویت دستگیر و به اعدام محکوم اما با وساطت انگلیسی‌ها آزاد

و به لندن منتقل و الا آن نه تنها شبکه ماهواره بلکه حوزه علمیه امامین العسکرین را هم در انگلیس مدیریت می‌کنند جالب‌تر اینکه او در لندن حسینیه‌ای نیز به اسم رسول اعظم راه‌اندازی و مراسم قمه‌زنی را روزهای تاسوعا و عاشورا با تأمین پلیس انگلیس در خیابان منتهی به این حسینیه و در ملاء عام برگزار می‌کند. دولت انگلیس هم با اعزام تعدادی آمبولانس، مداوای مجروحان و عزاداران قمه‌زن را پشتیبانی می‌کند. همچنین این جریان علی‌رغم تندروی‌های مذهبی در کویت که در دوره راه‌اندازی هیأت خدام المهدی انجام می‌داد و الان هم در هیأت‌های خود دنبال می‌کند، هیچ محدودیتی برای تردد به کشور کویت ندارد که از همسویی عملکرد آن با خواسته‌های سرویس‌های امنیتی کشورهای عربی حکایت می‌کند. جمع‌بندی:

جریان شیرازی‌ها که با ادعای مرجعیت سیدمحمد شیرازی و پس از مرگ او با سید صادق شیرازی شناخته می‌شود، گرچه به اعتبار نیاکان عالم و مجاهد آنان در بین بخشی از توده مردم در کویت، عراق و ترکیه شهرت یافته اما به صورت مشکوکی همسو با سلفیت

تکفیری، بزرگنمایی اختلافات و شکاف بین شیعه و سنی را دنبال و از تندروی‌ها و خرافه‌هایی حمایت می‌کند که نتیجه آن کمک به پدیده شیعه‌هراسی است.

به علاوه دسترسی آسان این جریان به شبکه گسترده رسانه‌ای و ماهواره‌ای که به نام اهل بیت شیعه، توهین علیه مقدسات اهل سنت را پیگیری می‌کند، نشان از انحرافی دارد که با سیاست جهان غرب و پیر استعمار برای فرسایش توان جهان اسلام با تحمیل تفرقه و ترویج کینه مذهبی هماهنگ است. این جریان نه تنها با رهبری و آموزه‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی سر همراهی ندارد بلکه علیه چهره‌های بزرگ بیداری اسلامی مثل سیدحسن نصرالله نیز موضع داشته و همزمان چشم بر جنایات تکفیری‌ها در سوریه و عراق می‌بندد. آنچه بیشتر از همه عوامل این جریان را با شک و تردید جدی مواجه ساخته حمایت علنی انگلیس و میزبانی از بخش عمده رسانه‌ای و ماهواره‌ای آن در لندن می‌باشد که همراه با حضور عناصر کلیدی بخش تبلیغات جریان شیرازی‌ها یعنی سیدمجتبی شیرازی و یاسر الحبیب در لندن و توانایی تأمین هزینه‌های سنگین شبکه تبلیغی وابسته، تردیدی در حمایت غرب از آن باقی نمی‌گذارد.



اربعین استمرار قیام متفکرانه امام حسین (ع)

ابوالفضل خلخالی، استادیار دانشکده مهندسی خودرو

Ab_khalkhali@iust.ac.ir

از اینرو تدبیر امریست که انسان را در دنیا و آخرت سعادت‌مند می‌کند. حسین (ع) امام مردم است و تدبیر او باید مردم را در دنیا و آخرت سعادت‌مند سازد و تدبیر و عقلانیت قیام عاشورا باید از این منظر بررسی شود.

در سالهای آخر حیات حضرت رسول (ص) و زمان سه خلیفه اول، جهان اسلام به سرعت وسعت پیدا کرد ولی مبانی فکری و اعتقادی ناب و صحیح اسلام به این سرعت توسعه نیافت. امیرالمومنین علی (ع) نیز همانطور که در مقاله «عاشوا نتیجه فراموشی پیمان غدیر» که در شماره هشتم نشریه به چاپ رسید ذکر شد در زمان سه خلیفه اول با توجه به مشی سیاسی خلفا در انزوا قرار داشتند. مدت کوتاه خلافت ایشان و امام حسن (ع) نیز با توجه به مسایل و مشکلات فراوانی که وجود داشت نتوانست بسیاری از مفاهیم عمیق اسلامی را به بلاد اسلامی آنروز منتقل کند. در زمان امام حسین (ع) جهان

جان مبارک خود نیز برای هدایت نوع بشر می‌گذرد که در زیارت اربعین می‌خوانیم: **وَيَذَلُّ مَهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتَنْقَدُ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةَ الضَّلَالَةِ خُونِ دَاخِلِ قَلْبِ** خود (جان خود) را در راه تو داد تا بندگان را از نادانی و سرگردانی در وادی گمراهی برهاند.

در طول تاریخ محققان مختلف هریک از منظری به قیام امام حسین (ع) نگریسته‌اند و کلمات متفاوتی برای توصیف آن استفاده کرده‌اند. در این مقاله نگارنده از عبارت قیام متفکرانه استفاده نموده که بیانگر تدبیر امام و عقلانیت قیام عاشورا است. البته باید به این موضوع توجه داشت که تعریف دقیقی از تدبیر ارائه شود. زیرا بر اساس دیدگاه مادی‌گرایانه تدبیر یعنی اداره امور برای ایجاد سهولت در معیشت دنیوی اما در نگاه دین‌گرایانه که در آن دنیا اصالت ندارد تدبیر به گونه‌ای دیگر معنی می‌شود. از دیدگاه دین‌گرایانه دنیا سرای ابدی و ماندگار نیست و

بزرگترین متفکران عالم هنگامیکه انحطاط فکری و فرهنگی را در جوامع بشری مشاهده می‌کنند در صورتیکه تبلیغ را موثر بدانند اقدام به بحث، سخنرانی و نوشتن کتاب و مقاله می‌کنند. گاهی اوقات برخی از ایشان اگر اقدامات خود را موثر نبینند در نهایت برای هم نوعان خود افسوس می‌خورند و گاهی نوشته‌های کنایه آمیزی منتشر می‌کنند و به کنج انزوا می‌روند. امام حسین (ع) یک متفکر آگاه در سال ۶۱ هجری است که انحرافات فکری و فرهنگی عمیق در مردم زمان خود را مشاهده می‌کند و آنقدر دلسوز مردم است که تمام سرمایه‌های خود و خانواده‌اش را برای هدایت نه تنها مردم زمان خود بلکه تمام اعصار صرف می‌کند. امام (ع) نه تنها از بحث با مردم زمان خود خسته نمی‌شود که برنامه‌ای دقیق برای همه مردمی دارد که بعد از او بر این کره خاکی قدم می‌گذارند. او از





اسلام دارای سه محور اصلی بود که عبارتند از حجاز، عراقین و شامات. مهمترین موضوع برای امام (ع) در آن زمان تاثیر بر روی فکر، اندیشه و بینش مردم بود. مردمی که از مفاهیم عمیق و ناب اسلام همانطور که گفته شد دور مانده بودند. حرکت امام به گونه‌ای انجام شد که تمام مردم جهان اسلام آنروز را مطابق سه محور فوق مورد هدف قرار دهد. اولین برنامه امام برای مردم حجاز بود. ایشان از مدینه به سمت مکه حرکت نمودند و حدود شش ماه در مکه توقف داشتند. مکه محل تجمع حاجیان از بلاد مختلف اسلامی بود و امام (ع) در آنجا با مردم صحبت می‌نمودند و دلایل عدم تبعیت از یزید را تبیین می‌کردند. حرکت امام (ع) از مدینه به مکه پیش از ارسال نامه‌های مردم کوفه بوده و نشان می‌دهد که مبنای خروج ایشان دعوت مردم کوفه نبوده است. یکی از ویژگیهای بارز قیام امام حسین (ع) شفافیت کامل آن به صورتی است که هر ناظر منصفی در آن طرف حق را تشخیص می‌دهد. بسیاری از افراد مغرض در طول تاریخ خواسته‌اند تا اهداف نادرستی را

برای این قیام بیان کنند که با توجه به شفافیت این قیام در تمام ابعاد در این زمینه موفق نشده‌اند. یکی از مسائلی که این شفافیت را ایجاد می‌کند فرمایشات دقیق امام (ع) است. امام در شروع حرکت خود می‌فرمایند «من برای طلب اصلاح در امت جدم قیام می‌کنم» که بیانگر اهمیت بینش مردم در دیدگاه امام است. یا اینکه امام (ع) در جای دیگری می‌فرمایند مثلی لا یبایع مثل یزید «شخصی مانند من با شخصی مانند یزید بیعت نخواهد کرد» که در آن امام از عباراتی استفاده کرده‌اند که جنبه عمومیت دارد و راهبردی برای تمام جامعه است.

پس از حجاز هدف بعدی امام (ع) عراقین است، از اینرو ایشان با دعوت مردم کوفه به سمت عراق حرکت می‌کنند. در مسیر حرکت امام به سمت کوفه در سرزمین مقدس کربلا صف آراییی بین حق و باطل شکل می‌گیرد که یک صف آراییی کاملاً شفاف است و جای سوال برای هیچ متفکر آگاه و منصفی نمی‌گذارد. تمام یاران امام از نوزاد شش ماهه تا پیرمرد هفتاد ساله به میدان می‌روند و همه به

مردمان دنیا در عصر خود و تمام اعصار فقط یک چیز را یادآوری می‌کنند که ای مردم تفکر کنید و از عقل این سرمایه بزرگ که العقل ما عبد به الرحمان و اکتسب به الجنان استفاده کنید که اگر روزی چنین شود در عالم خونی به نا حق نخواهد ریخت. امام (ع) با شهادت خود مفاهیم عمیق فکری، فرهنگی و اعتقادی را به گوش تمام مردم می‌رسانند و به این صورت محور دوم که محور عراقین بود نیز مورد هدف قرار می‌گیرد. اما در این برنامه دقیق محور سوم که محور شامات است به خانواده امام سپرده شده و امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) این قسمت از این برنامه دقیق را بر عهده گرفته و با مشقات فراوان به دوش می‌کشند.

در میان انبیا و ائمه معصومین، اربعین تنها ویژه امام حسین (ع) است و چنین بزرگداشتی فقط مخصوص ایشان است. البته همکنون شیعیان در بزرگداشت درگذشتگان خود مراسمی تحت عنوان چهلم برگزار می‌کنند که بر گرفته از مراسم اربعین امام حسین (ع) است. در خصوص تاریخچه





محور های عملیاتی جبهه دشمن غربی علیه نظام اسلامی - ۱

محور های عملیاتی
محور های

«وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودَ وَلَا
النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَبِيعَ مِلَّتَهُمْ»
یهود و نصاری هرگز از تو راضی
نمی‌شوند تا آن که از آیینشان
پیروی کنی.

دکتر حسین صالح‌زاده،
هیأت علمی دانشکده مهندسی عمران
salehzadeh@iust.ac.ir

تلاش بی‌وقفه براندازان برای متزلزل نمودن اعتقادات دینی و پایه‌های قانونی و حداقل‌سازی رضایت و حمایت مردمی از نظام انجام داد. دشمن در عملیات فروپاشی به دنبال اقدام نرم، تدریجی، نامحسوس و هوشمندانه است. خروجی این نوع "جنگ نرم طولانی" را به صورت براندازی در چارچوب انقلاب‌های رنگی می‌توان تشریح کرد. در سلسله مطالبی که خواهد آمد به طور خلاصه به محورهایی که دشمن غربی و در راس آن‌ها امریکا و صهیونیست‌ها و عوامل داخلی آنها برای نیل به اهداف خود برگزیده اند تا با تخریب یا اثر گذاری بر آن‌ها از کابوس نظام اسلامی رهایی یابند، پرداخته می‌شود.

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که برآمده از انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل (س) شکل گرفته است، در تعارض مستقیم با منافع غرب، هم‌اکنون در محورهای مختلفی با جریان غربی-عربی-عبری در حال مبارزه‌ای گسترده است. این مبارزه تا کنون مراحل مختلفی را از شورش‌های قومی تا کودتا و جنگ نظامی علیه انقلاب پشت سر گذاشته است و اکنون وارد فاز نرم خود گردیده است. استراتژی دشمن در جنگ نرم برای اسقاط نظام و انقلاب اقدامی آنی و ناگهانی نخواهد بود بلکه فرایندمحور بوده و لذا کمتر از عنصر غافل‌گیری بهره خواهد گرفت. از این‌رو، نشانه‌شناسی براندازی را می‌توان از طریق رصد کردن

اربعین موارد مختلفی وجود دارد. بنابر بررسی بعضی از نقل‌ها کاروان اسرای کربلا پس از شام به کربلا بازگشته و در روز اربعین به این سرزمین رسیده است و در دیگر نقل‌ها آن را امکان پذیر ندانسته اند. ولذا اربعین به عنوان روز زیارت شاخص و متمایز گشته است حتی بیشتر از روز عاشورا. معتبرترین نقلی که از اربعین وجود دارد حضور جابر بن عبدالله انصاری و عطیه است که از تابعین و دوستان اهل بیت است و از طرف امیر المومنین به این نام (عطیه الله) نام گذاری شده است. جابر بن عبدالله جزو مجاهدین صدر اسلام و از اصحاب بدر است و هنگامیکه شنید حسین بن علی رابه شهادت رسانده‌اند از مدینه به سمت کربلا حرکت کرد. عطیه روایت می‌کند که: جابر به کنارشط فرات آمد، آنجا غسل کرد، جامه‌ی سفید و تمیز پوشید و بعد با گام‌های آهسته، با احترام به سمت قبر امام حسین (علیه‌السلام) روانه شد و در کنار قبر مبارک آن حضرت به عزاداری پرداخت و از کثرت اندوه از حال رفت. حرکت جابر بنا به فرموده مقام معظم رهبری شروع جاذبه مغناطیس حسینی است [۱۳۸۵/۰۱/۰۱]. مغناطیسی که امروز از سراسر دنیا شیعیان را به سمت کربلای معلا جذب می‌کند. اربعین روزی است که اولین عزای امام حسین برپا شد و پس از او اولین کسانی که پیام قیام ایشان را درک کردند متعهد شدند که راه او را ادامه دهند. اساساً اهمیت اربعین به این است که روز استمرار قیام متفکرانه امام (ع) است و دوست داران امام حسین (ع) یک بار دیگر با گذاره‌های شفاف قیام عاشورا بیعت می‌کنند و این جریان برای همیشه جاودان و مستمر می‌ماند. و شاید رمز اینکه در روایات یکی از نشانه‌های مومن را زیارت اربعین می‌دانند نیز در همین موضوع نهفته باشد.

۹۳/۹/۱۸





فرانسیس فوکویاما:

مهندسی معکوس برای شیعیان

ایران این است که ابتدا ولایت فقیه

را بزیند. تا این را نزنید نمی توانید

به ساحت قدسی کربلا و مهدی

تجاوز کنید

نظامی در شرکت «رند» از شرکتهای وابسته به پنتاگون می باشد. وی در سال ۱۹۸۹ با نگارش مقاله «پایان تاریخ و واپسین انسان» که در سال ۱۹۹۱ با تفصیل بیشتر و به همین نام، به صورت کتاب چاپ گردید، به شهرت جهانی رسید. در این دو نوشته، فوکویاما به دفاع تاریخی از ارزشهای سیاسی غربی برخاست و استدلال کرد که رویدادهای اواخر قرن بیستم نشان می دهد که اجماعی جهانی به نفع دموکراسی لیبرال به وجود آمده است.

فوکویاما در کنفرانسی که در اورشلیم برگزار شد به ترسیم اندیشه سیاسی شیعه پرداخت. او در این کنفرانس که بازشناسی هویت شیعه نام داشت می گوید:

«شیعه پرنده ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست، پرندهای است که دو بال دارد. یک بال سبز و یک بال سرخ». این مطالب را وی در اوج پیروزی های انقلاب در سال ۱۳۶۵ می گوید و ادامه می دهد: «بال سبز این پرنده همان مهدویت و عدالت خواهی اوست؛ چون شیعه در انتظار عدالت به

محور ولایت فقیه

امام باقر - علیه السلام - من دان الله بعباده یجهد فیها نفسه و لا امام له من الله فسعیه غیر مقبول» (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۰) کسی که به خدا ایمان دارد و عبادت های طاقت فرسا هم انجام می دهد ولی امام لایقی از طرف خدا ندارد، تلاشش بی فایده است.

فرانسیس فوکویاما نئومحافظه کار، پژوهشگر و تاریخ نگار ژاپنی الاصل و تبعه ای آمریکا: ابتدا ولایت فقیه را بزیند. تا این را نزنید نمی توانید به ساحت قدسی کربلا و مهدی تجاوز کنید.

یکی از مدیران فرهنگی دولت خاتمی و فعالان اصلاح طلب و از حامیان میرحسین موسوی در انتخابات ۸۸: «تغییر قانون اساسی»، «تغییر ساختاری قوه قضاییه» و «حذف نهاد ولایت فقیه» جزئی از اصلاحات است.

- فرانسیس فوکویاما نئومحافظه کار، پژوهشگر و تاریخ نگار ژاپنی الاصل و تبعه ای آمریکاست. وی با شخصیتی نیمه سیاسی - نیمه فلسفی دارای سابقه ای کار در اداره ی امنیت امریکا و نیز تحلیلگر





نمی رود.»

ایشان می گوید: «اگر توانستید ولایت فقیه را بزیند بلافاصله پرنده شیعه افت می کند و سقف پروازش کاهش می یابد و تیرهای شما به راحتی به او می خورد»؛ آن وقت میکروپولتیک میل های شما، اثر می کند، فنا ناپذیری و تهدید ناپذیری هم به طریق اولی از بین می رود. چنین جامعه ای از درون فرو می ریزد بدون اینکه یک تیر شلیک کنید. می گوید: اگر ولایت فقیه را زدید در گام بعدی، شهادت طلبی این ها را به رفاه طلبی تبدیل کنید. اگر این دو تا را زدید خود بخود اندیشه امام زمانی، از جامعه شیعه رخت بر می بندد، این لابلالی گری ها و اباحه گری ها در جامعه گسترش می یابد. در ادامه می گوید: «شما باید برای غرب هم امام زمان و کربلا و ولایت فقیه بتراشید». در میزگردی با حضور جفیری کمپ (رئیس برنامه های راهبردی در مرکز مطالعات نیکسون)، ادوارد شرلی (یکی از مقامات سابق سیا و تحلیلگر و محقق فعلی) کنت تیمرمن (محقق) و پاتریک کلاوسون (رئیس تحقیقات موسسه سیاست های خاور نزدیک واشنگتن) که برخی از این افراد در دوران اصلاحات تحت عنوان گردشگر و پژوهشگر توانسته بودند به ایران سفر کنند، شرلی تصریح می کند: اگر نظام ولایت فقیه در ایران از هم بپاشد، آن وقت می توان پذیرفت که جمهوری اسلامی تغییر ماهیت داده و برقراری روابط ممکن خواهد شد.

وی پس از پایان جنگ، یک مهندسی معکوس برای شیعه و یک مهندسی صحیح برای خودشان نوشت. مهندسی معکوس برای شیعیان ایران این است که ابتدا ولایت فقیه را بزیند. تا این را بزیند نمی توانید به ساحت قدسی کربلا و مهدی تجاوز کنید. وی نظریه ای با عنوان «میکروپولتیک میل ها و میکروفیزیک قدرت» ارائه می دهد و می گوید برای پیروزی بر یک کشور باید «میل مردم» را تغییر دهیم؛ اگر میل مردم از شهادت طلبی، ایثار، جوانمردی و دهها عاملی که به عنوان فرهنگ شکل گرفته است به رفاه طلبی، غرب زدگی و ... تغییر نیابد، مانند این است که آب در هاون می کوبید. این میل ها هم تغییر نمی کنند مگر این که ارکان یک قدرت از آن حمایت کند. وی راه برخورد با این جریان را تضعیف ولایت فقیه می داند. او می گوید در صورت تضعیف ولایت فقیه، رفاه طلبی جای شهادت طلبی را می گیرد و پس از آن اندیشه عدالتخواهی و انتظار نیز از جامعه رخت بر می بندد.

فوکایاما در ادامه می گوید: «شما باید ولایت فقیه را بزیند، بعد اگر برسید چگونه می شود ولایت فقیه را زد؟ من می گویم در قانون اساسی. در قانون اساسی آنچه موجب قوام و بقای ولایت فقیه است شورای نگهبان است اگر بتوانید این رکن را از قانون اساسی حذف کنید خود ولایت فقیه هم در یک فرماندوم زده می شود! شما باید این فیلتر را از بین ببرید. شورای نگهبان هم جز با حمله به نظارت استصوابی از بین

سر می برد، امیدوار است و انسان امیدوار هم شکست ناپذیر است. نمی توانید کسی را تسخیر کنید که مدعی است فردی خواهد آمد که در اوج ظلم و جور، دنیا را پر از عدل داد خواهد کرد.»

او می گوید: «بال سرخ شیعه، شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فنا ناپذیر کرده است. شیعه با این دو بال افق پروازش خیلی بالاست و تیرهای زهراگین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و ... به آن نمی رسد.» آن نقطه که خیلی اهمیت دارد بعد سوم شیعه است می گوید:

«این پرنده زرهی بنام ولایت پذیری بر تن دارد که آنها را شکست ناپذیر نموده است». در بین کلیه مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که نگاهش به ولایت، فقهی است؛ یعنی فقیه می تواند ولایت داشته باشد. این نگاه، برتر از نظریه نخبگان افلاطون است. فوکایاما معتقد است: «ولایت پذیری شیعه که بر اساس صلاحیت هم شکل می گیرد، او را تهدید ناپذیر کرده است». او در توضیح فنا ناپذیری شیعه می گوید: «شیعه با شهادت دو چندان می شود. شیعه عنصری است که هر چه او را از بین ببرند بیشتر می شود» و جنگ ایران و عراق را مثال می زند. او در سال ۱۳۶۴ می گوید: «اینها فاو را تسخیر کردند می روند کربلا را هم بگیرند، اینجا (قدس) را هم قطعاً می گیرند». پیشنهاد می کند که با امتیاز دادن به ایران، جنگ را متوقف کنید.





شیطان

و نقش او در زندگی انسان - ۱

محمد خلیج امیرحسینی - عضو هیئت علمی
دانشگاه علم و صنعت ایران

khalaja@iust.ac.ir



۱- معرفی شیطان:

ابلیس از فرشتگان نبود ولی چنان مقامی در سایه اطاعت و پرستش خداوند پیدا کرده بود که در صف فرشتگان قرار داشت و حتی معلم آنان بود. اما همه این مقامات را به خاطر یک لحظه تکبر و غرور از دست داد و چنان گرفتار تعصب و خودپرستی شد که حاضر به عذرخواهی و توبه نشد. او نخستین جبرگرا بود چرا که برای تبرئه خود متوسل به این دروغ بزرگ شد که خداوند او را گمراه کرده است. او تصمیم گرفت انتقام مطرود شدن خود از درگاه خداوند را از فرزندان آدم بگیرد گرچه مقصر اصلی خودش بود و نه آدم و فرمان الهی. او چنان لجاجت ورزید که حاضر شد شریک در جرم همه ظالمان و گنهکاران از فرزندان آدم بعنوان وسوسه گر گردد و معادل کیفر و عذاب همه آنها را یک جا تحمل کند.

البته شیطان تنها نیست و دارای یارانی است که در قرآن با کلمات قبیله، حزب، جنود، ذریه و دوستان به آنها اشاره نموده است. ... إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ ... (الاعراف/۲۷) - ... إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (فاطر/۶) - وَ جُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ (الشعراء/۹۵) - ... أفتتخذونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي ... (الكهف/۵۰) - ... فقاتلوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ ... (النساء/۷۶). شیطان و یارانش دائماً در کمین انسان‌ها هستند و از هر فرصتی برای وسوسه و فریب آنها استفاده می‌کنند. شیطان دارای خصوصیات است که در

ادامه به آنها اشاره می‌گردد.

۱-۱ مستکبر، عاصی و کافر

شیطان علیرغم عبادات طولانی خود، در مقابل فرمان خداوند عصیان نمود. ریشه این عصیان را شاید بتوان در تکبر او و مقایسه غلط خود با انسان نه به لحاظ قابلیت و ظرفیت بلکه از لحاظ ماده‌ای که از آن آفریده شده‌اند، دانست. عصیان، استکبار و کفرورزی شیطان چندین بار در قرآن اشاره شده است. عباراتی از قبیل: ... إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (ص/۷۴) - إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا (مریم/۴۴) - ... وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (الاسراء/۲۷).

۱-۲ مطرود خداوند:

پس از عصیان شیطان از فرمان خداوند و بروز تکبر خود، از درگاه خداوند طرد شد. خداوند او را با صفات خفت‌آمیزی خطاب می‌کند. این صفات عبارتند از:

رانده شده: قَالَ فَأَخْرَجَ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيمٌ (الحجر/۳۴ - ص/۷۷).

پست و کوچک: ... فَأَخْرَجَ إِنْكَ مِنَ الصَّاعِرِينَ (الاعراف/۱۳).

خوار و ذلیل: قَالَ أَخْرَجَ مِنْهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا ... (الاعراف/۱۸).

سرکش: ... وَ إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا (النساء/۱۱۷).

ملعون: لَعْنَةُ اللَّهِ ... (النساء/۱۱۸).

اهل قطعی جهنم: لِأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَ مِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (ص/۸۵)، که

جهنم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهیم کرد.

۲-۲ دشمن آشکار انسان

آنچه واضح است آنکه شیطان دشمن آشکار انسان است. ریشه این دشمنی برمی‌گردد به اینکه شیطان عامل اصلی اخراج و سقوط خود را همین انسان می‌داند. شیطان دشمنی خود با انسان را هنگام اخراج خود آشکارا به خداوند متعال بیان نموده است. در واقع شیطان از طریق دشمنی خود با انسانها می‌خواهد آنها را نیز مانند خود از خدا دور نموده و اهل جهنم نماید. به زبانی ساده شیطان نسبت به انسان کینه و عداوت عمیقی دارد و می‌خواهد لاقبل انتقام خود را از انسان بگیرد. دشمن بودن شیطان نسبت

به انسان چندین بار در قرآن اشاره شده است. عباراتی از قبیل: إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ - إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ - وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ - إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا - إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ. البته شیطان دشمن قسم خورده انسان است چرا که برای دشمنی با انسان و گمراهی او، به عزت خداوند متعال قسم خورده است، آنجا که می‌گوید: قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (ص/۸۲).

انشاء... در بخش‌های بعدی این نوشته به نحوه دشمنی شیطان با انسان خواهیم پرداخت.





مصاحبه با ریاست محترم دانشگاه

این مصاحبه در روز چهارشنبه در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۹۳، در دفتر آقای دکتر برخوردار ریاست محترم دانشگاه، در فضایی صمیمانه انجام شد که از نظرتان می‌گذرد.

نباء: آقای دکتر، سلام علیکم. خدا قوت و خسته نباشید. از اینکه به ما وقت دادید تا خدمتتان برسیم، سپاسگزاریم. دکتر برخوردار: سلام علیکم. خواهش می‌کنم. من هم تشکر می‌کنم که این فرصت از طرف شما ایجاد شده است تا با دانشگاهیان صحبتی داشته باشم.



علت خاصی دارد؟

دکتر برخورداری: بله کارهای عمرانی زیادی این سالها انجام شده است. من هم جزو افرادی هستم که اهتمام زیادی به انجام کارهای عمرانی دارم و قبلا هم کارهای عمرانی زیادی در این دانشگاه و دیگر دانشگاهها انجام داده‌ام. اما واقعیت آن است که الان اعتبار اختصاص داده شده برای کارهای عمرانی نداریم، غیر از موضوع کتابخانه مرکزی که محل اعتبار آن قبلا از دفتر مقام معظم رهبری تامین شده است و امیدواریم سال آینده آن را تمام کنیم. البته توجه دارید که وضعیت مالی دولت هم خوب نیست و اگر من هم به جای دولت بودم برای کارهای عمرانی بودجه نمی‌دادم.

نبا: آیا بهتر نیست الان که فصل بودجه در مجلس است، تلاش شود تا اعتباری برای این کارها دریافت گردد؟
دکتر برخورداری: واقعیت آن است که بعید است به نتیجه برسیم، چون قبلا هم تلاش‌هایی انجام داده‌ایم ولی نهایتا به نتیجه نرسیدیم. با این حال باز هم در حال پیگیری هستیم.

نبا: همانطور که مستحضرد، یکی از عوامل ایجاد آرامش روانی بین دانشجویان، رعایت عفاف و حجاب توسط همه دانشگاهیان است. ضمنا این موضوع همواره مورد حساسیت اکثریت دانشگاهیان بوده است. جنابعالی، وضعیت عفاف و حجاب در یک سال گذشته را نسبت به یک سال قبل از آن چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دکتر برخورداری: موضوع عفاف و حجاب خیلی مهم است و به همین دلیل جلسات متعددی از جمله در شورای فرهنگی داشته‌ایم و طرح‌های مختلفی را بررسی کرده و می‌کنیم. الان تصویر خاصی از اینکه وضعیت عفاف و حجاب در این یک سال چه تغییر خاصی کرده است، ندارم. ضمنا در مورد قوانین و ضوابط عفاف و حجاب تغییر خاصی نداده‌ایم که بخواهد تغییر خاصی صورت پذیرفته باشد. البته باید گفت گرچه از وضعیت موجود خیلی راضی نیستیم ولی وضعیت خیلی بدی هم نداریم و این قطعا اثر کارهایی است که در سالیان مختلف انجام شده است. بعلاوه، مسائل فرهنگی فقط عفاف و حجاب نیست و منکرات صرفا در عدم رعایت عفاف و حجاب خلاصه نمی‌شود؛ اگرچه عفاف و حجاب نمود و بروز بیشتری دارد. تلاش اصلی ما این

تا از مشارکت جمعی دانشگاهیان بهره‌مند شویم. البته باید گفت که اطلاع‌رسانی ما نیز ضعیف است که باید آن را هم ارتقاء دهیم.

نبا: در حوزه مهم پژوهش، چه خبری از کارهای بزرگی همچون چند طرح کلان ملی و ماهواره دارید؟

دکتر برخورداری: طرح‌های کلان ملی از حرکت‌های خوب و بزرگی است که از قبل شروع شده است. این طرحها افراد زیادی را درگیر کار کرده است و پیشرفت‌های خوبی را هم داشته‌اند. ارگان‌های نظارتی هم که بر این پروژه‌ها نظارت می‌کنند؛ از پیشرفت آنها راضی هستند و این را تایید می‌کنند. البته باید گفت که ادامه این طرحها نیاز به تخصیص اعتبارات لازم دارد که متاسفانه اخیرا کم بوده است. در مورد پروژه ماهواره هم باید بگویم که با قوت تمام در حال کار هستند و هم ما و هم همه مسئولین مربوطه اهتمام جدی برای رسیدن به نتایج مطلوب را داریم. ضمنا پرتاب ماهواره دست ما نیست و در اختیار مرکز مربوطه در دولت است.

نبا: با توجه به حجم بالای کارهای عمرانی دانشگاه در سال‌های قبل، آیا کاهش کارهای عمرانی بزرگ دانشگاه

نبا: آقای دکتر، با توجه به اینکه هم اکنون یک سال از زمان ریاست جنابعالی می‌گذرد، خوشحال می‌شویم اگر بفرمایید مهمترین اقدامات ویژه و شاخص شما در این مدت چه‌ها بوده‌اند؟

دکتر برخورداری: کارهای دانشگاه سیال است و روند خاص خود را دارد و افراد کارهای مربوط به خود را می‌دانند و انجام می‌دهند. از این‌رو من خیلی اعتقاد به اینکه لیستی از کارها را منتشر کنیم و بگوییم من این کار یا فلان کار را انجام دادم، ندارم. کارهای روزمره‌ای وجود دارد که هر کس رئیس باشد انجام می‌دهد و البته سعی می‌شود نواقص کارها رفع گردد، گرچه ممکن است در جاهائی سلائق افراد با هم فرق کند. بنابراین اینکه بگویم کارهای شاخص و خاصی را انجام داده‌ایم، نه‌خیر. اینگونه نیست. البته با توجه به فرمایشات حضرت آقا، بحث مراحل انتهائی پروژه‌ها و تجاری‌سازی آنها برای منجر شدن به فناوری و محصولات عملیاتی را بطور خاص پیگیری می‌کنیم که امیدواریم به نتیجه برسد. ضمنا بارها اعلام کرده‌ام که شعار اصلی من قانونمندی، شفافیت و حفظ کرامت انسانی است و در این راستا کارهایی را هم انجام داده‌ایم. ضمنا تلاش می‌کنیم



است که تا حد ممکن کارهای ایجابی انجام دهیم و فرهنگ‌سازی کنیم. البته قانون سر جایش هست و موارد معدودی که احیاناً نشود کاری کرد، به ناچار از طریق قانونی رسیدگی و عمل خواهد شد. در این زمینه بهتر است همه اساتید و دانشجویان متدین وارد عرصه شوند و طرح بدهند و با افرادی که رعایت نمی‌کنند، صمیمانه و دوستانه صحبت کنند. نباء: درست است که امسال در هنگام ثبت نام، از دانشجویان تعهد رعایت منشور اخلاقی اخذ نشده است؟

دکتر برخوردار: اطلاعی ندارم. بعید می‌دانم. به هر حال قرار نبوده است در این زمینه تغییری نسبت به گذشته ایجاد شود.

نباء: مدتی است شاهد حجم بالای ایمیل‌های ارسالی از یکی دو جای خاص به اساتید هستیم. جدای از حجم سوال‌برانگیز این ایمیل‌ها، متأسفانه در بعضی از آنها مطالبی مجرمانه همچون توهین و هتاک‌های نسبت به ارکان نظام و مقدسات وجود دارد که باعث برهم خوردن آرامش روانی و تشویش اذهان دانشگاهیان می‌شود. نظر جنابعالی و اقدامات انجام شده در این زمینه چگونه است؟

دکتر برخوردار: من معتقدم که باید فضای بازی برای تبادل نظرات بخصوص بین اساتید برقرار باشد. در عین حال باید این کار در چارچوب درستی باشد و از خط قرمزها عبور نشود. نباید به ارزشهای دینی و انقلابی و مقدسات تعرض شود. امسال مواردی داشتیم که من بطور موازی دو کار را انجام دادم. اول، کار ارشادی و اینکه آنها را صدا کردم و در همین جا و جاهای دیگر تذکر دادم که این کارها را نکنید. این کارها خوب نیست و به نفع شما هم نیست. این کار ارشادی را فکر می‌کنم همه باید بطور دوستانه انجام دهند و حتماً اثر خواهد داشت. کار دیگری هم که کردم اینکه موضوع آنها را به کمیته تخلفات اساتید ارجاع دادم. البته به دلیل اتمام دوره کمیته در اوایل امسال، افراد جدیدی را به وزارتخانه معرفی کردم و تا حکم آنها بیاید، مورد اول برای رسیدگی به وزارتخانه رفت و حکم دادند و الان در مرحله تجدید نظر است و اگر حکم نهائی بیاید قطعاً اجرا خواهد شد. مورد دوم هم به کمیته تخلفات خودمان داده شده است و در جریان رسیدگی است.

نباء: آیا در مورد دوم، شکایت از طرف شما بوده است یا دیگر اساتید؟ دکتر برخوردار: از طرف اساتید هم بوده است.

نباء: اگر خدای ناکرده دوباره چنین مواردی پیش بیاید و کسی شکایتی نکند آیا شما به عنوان ریاست دانشگاه راساً اقدام به شکایت و ارجاع به کمیته تخلفات نمی‌کنید؟ دکتر برخوردار: به هر حال اگر ضرورت ایجاب کند این کار را خواهیم کرد.

نباء: یکی از امتیازاتی که هم اکنون دانشگاه ما از آن برخوردار است، حضور همزمان اساتید جوان، پر توان، باسواد و متعهد در کنار اساتید مجرب، با سابقه، متخصص و متعهد است. آیا برنامه یا فکری دارید که از این امتیاز به عنوان یک فرصت حداکثر استفاده شود تا در آینده نزدیک شاهد تحول و ارتقای بیشتر دانشگاه شویم؟

دکتر برخوردار: بله؛ این امتیاز خوبی برای دانشگاه ما است. البته ممکن است افرادی باشند که حضور افراد جدید را تهدیدی برای خود بدانند و فکر کنند که جای آنها را تنگ می‌کنند و باعث ایجاد مشکل از لحاظ درسی و غیره برای آنها می‌شوند. ولی نظر من این است که باید از این موضوع استقبال کرد و ارتباط خوبی را بین هر دو گروه اساتید شکل داد. من در شورای دانشگاه بارها از رؤسای دانشکده‌ها خواسته‌ام تا از اساتید جدید حمایت کنند و فضا را برای فعالیت آنها باز کنند. به عنوان یک مثال خوب، الان در دانشکده عمران آقای دکتر بازاری توانسته است کارهای خوبی در این زمینه انجام دهد و صمیمیت زیادی ایجاد کند. ضمناً فکر می‌کنم که الان اساتید جوان جا افتاده‌اند و در دانشکده‌ها توانسته‌اند خود را اثبات کنند و من اصلاً فرقی بین اساتید جوان و غیر جوان نمی‌بینم.

نباء: اخیراً شرائطی برای تمدید قرارداد اساتید جوان اعلام شده است که بعضی از آنها سختگیرانه و غیر منصفانه به نظر می‌رسند. قبلاً در یک جلسه، قول بازنگری آنها را دادید. آیا اقدامی انجام شده است؟

دکتر برخوردار: کدام موارد بودند؟ نباء: یکی آنکه آمده است، باید ارزشیابی هر درس اساتید پیمانی بالاتر از میانگین ارزیابی دانشکده باشد. می‌دانید که میانگین ارزیابی دانشکده توسط اساتید مجرب و با تجربه حاصل شده و شکل

گرفته است، پس چگونه انتظار می‌رود یک استاد جدید، آن هم در تک‌تک درسها، بهتر از مجموع اساتید با تجربه عمل کند! دیگر آنکه حداقلی که برای امتیاز پژوهشی در نظر گرفته شده است زیاد به نظر می‌رسد. چون اساتید جدید دانشجوی ارشد و دکتری در سال‌های اول ندارند و مطمئن‌ترین و شاید تنهاترین راه برای کسب آن حداقل، نوشتن چندین مقاله است که این هم بسیار وقت‌گیر است و هم به کیفیت تدریس آنها لطمه می‌زند.

دکتر برخوردار: (با اندکی تأمل و لبخند) بله قبول دارم حق با شماست، فکر می‌کنم درست می‌گویید و این جای بازنگری دارد. به هر حال شرائط تعیین شده باید طوری باشد که شدنی و



حداقلی باشد و این شرایط لاقبل برای دو سه سال اول سخت است.
نباء: پس آیا منتظر تجدید نظر این شرایط باشیم؟
دکتر برخوردار: بلی، سعی می‌کنم هر چه زودتر دوباره این شرایط را بررسی و تجدید نظر کنم.

نباء: مدتی است چند نفر تبلیغ تشکلی موسوم به کانون صنفی اساتید را می‌کنند. آیا بالاخره موفق شدند مجوز فعالیت خودشان را از وزارت کشور بگیرند یا نه؟

دکتر برخوردار: ببینید اینها حدود ۱۱ سال پیش، در داخل دانشگاه اعلام موجودیت کانون را داشتند و آن موقع، انتخابات هم داشتند و مورد حمایت

رؤسای قبلی دانشگاه هم بوده‌اند (در این هنگام، آقای دکتر برخوردار نامه‌نگاری‌های آن سال‌ها را نشان داده و در اختیار ما گذاشتند). آنها از هیئت سه نفره دانشگاه مجوز داخلی گرفتند که البته آن را پیدا نکردیم. الان چند سال است که تقاضای مجوز را به وزارت کشور داده‌اند ولی به آنها یا گفته‌اند گم شده است و یا اخیراً می‌گویند بررسی تقاضا در جریان است. به هر حال وزارت کشور هم باید وظیفه خود را به سرعت انجام دهد. حالا اگر عده‌ای می‌خواهند کارهایی انجام دهند که به کسی هم ضرری نمی‌رساند، چه اشکالی دارد؟ البته ممکن است در اذهان بعضی این تصور پیش بیاید که چون گردانندگان این کانون افرادی با خط مشی سیاسی خاصی هستند، قصد بهره‌برداری سیاسی داشته باشند ولی من به آنها گفته‌ام و الان هم با قاطعیت می‌گویم که آنها حق انجام کارهای سیاسی را ندارند و به محض اطلاع از چنین موضوعی برخورد خواهم کرد. ضمناً تا اخذ مجوز، آنها حق فعالیت در بیرون دانشگاه را ندارند و در داخل دانشگاه هم کارهایی که نیاز به مجوز قانونی دارد را نمی‌توانند انجام دهند.

نباء: مستحضرید که آقای دکتر روحانی پس از رئیس‌جمهور شدن بعضی مصوبات و اقدامات دولت قبل را ابطال کردند و گفتند روال قانونی آنها انجام نشده است. حال با توجه به شیوه قانون‌گرائی دولت و جنابعالی، آیا بهتر نیست این افراد علی‌رغم بعضی سوابق قبلی کانون، ابتدا مجوز قانونی را اخذ کنند و سپس به فعالیت خود پردازند؟ در این صورت ممکن است اساتید بیشتری هم به عضویت در آیند.

دکتر برخوردار: ببینید، مگر قرار است آنها کارهای خاصی انجام دهند؟ باز هم می‌گویم، اینها کارهای ساده‌ای را انجام می‌دهند که ضرری هم برای کسی ندارد. مثلاً چه اشکالی دارد آنها دنبال تأمین مسکن اساتید باشند؟ مگر نباید کارهای دولتی را به خود مردم واگذار کنیم؟

نباء: با این حساب اگر عده دیگری از اساتید هم بخواهند یک گروه دیگر را بدون اخذ مجوز تشکیل دهند، به آنها هم اجازه فعالیت خواهید داد؟
دکتر برخوردار: بلی؛ چه اشکالی دارد. البته قطعاً بهتر است اساتید در قالب یک گروه کار انجام دهند و چند گروه نشوند.

نباء: اگر موافق باشید، طبق رسم کنونی مصاحبه‌ها، چند عبارت گفته شود و جنابعالی احساس خود را در مورد آنها مختصراً بفرمایید.

بسیج: تبلور عشق، ایشار، از خود گذشتگی و فداکاری.
دکتر فرهادی: ایشان به اجبار به آموزش عالی برگشتند و شاید بهتر بود از درون آموزش عالی فردی انتخاب می‌شد. اما به هر حال بنده با ایشان قبلاً کار کرده‌ام و الان هم وزیر هستم و برایشان آرزوی موفقیت دارم.

دکتر جبل عاملی: رئیس سابق دانشگاه و از دوستان قدیمی و فعلی بنده.
۹ دی: روزی که اقشار مختلف مردم در مقابل یک سری حرکات نادرست از خود واکنش نشان دادند و ایستادند.

۲۷ آذر: روزی که حکم بنده ابلاغ شد. البته روز وحدت حوزه و دانشگاه هم هست که یعنی ترکیب معنویت و علم و دانش یا همان دانش الهی. تقارن این دو را به فال نیک می‌گیرم.

دانشگاه علم و صنعت: فیضیه دانشگاه‌های کشور هم از نظر مذهبی و اخلاقی و هم از نظر علمی.

آمریکا: سلطه‌گر و سلطه‌جوی فعلی در جهان و البته قبلاً دو تا بودند و حالا این یکی مانده است.

نباء: بهترین غذائی که در سلف اساتید دوست دارید؟

دکتر برخوردار: من غذاهای خورشتی مثل قورمه‌سبزی و قیمه را می‌پسندم. ولی آبگوشت را بیشتر از همه دوست دارم.

نباء: اگر صحبت خاصی در پایان دارید، بفرمایید.

دکتر برخوردار: از بسیج اساتید تشکر می‌کنم. کلمه بسیج مقدس است و کلمه اساتید هم کلمه بزرگی است. امیدوارم بسیج اساتید با رویکردهای صمیمانه، در بین اساتید ایجاد همدلی کند و با گذشت و ایشار، زمینه ارتقای دانشگاه علم و صنعت را فراهم نماید.

نباء: مجدداً از وقتی که به ما دادید متشکریم، موفق باشید.

دکتر برخوردار: خواهش می‌کنم، موفق باشید.





حضور اساتید دانشگاه در راه‌پیمائی اربعین

امسال نیز تعدادی از اساتید دانشگاه، توفیق یافتند به دریای مردمی راه‌پیمائی میلیونی اربعین حسینی (ع) بپیوندند. اسامی این اساتید عزیز (تا حد اطلاع) عبارتند از: آقایان دکتر سلیمانی (برق)، دکتر واحدی (برق)، دکتر چلداوی (برق)، دکتر شالچیان (برق)، دکتر معینی (صنایع)، دکتر علی‌احمدی (پیشرفت)، دکتر مساح (عمران)، دکتر مجردی (عمران)، دکتر علیزاده (عمران)، دکتر حشمتی (عمران)، دکتر رازقی (عمران)، دکتر صادقی (م. شیمی)، دکتر وحیدی (م. شیمی)، دکتر خرمی‌شاد (مکانیک). زیارتشان قبول و خوشا به سعادتشان. انشاء... توفیق این سعادت، سال بعد نصیب همه ما شود.

مطالبی بود که چند روز قبل از جلسه، توسط روابط عمومی به اساتید ایمیل شده بود. پس از چند ساعت، گزارش سایت دانشگاه تغییر یافت و نام آقای امامی و نمایندگی وی از کانون صنفی حذف شد. به نظر می‌رسد اعتراضات صورت گرفته در مورد غیر قانونی بودن کانون، وهن‌آمیز بودن طرح مطالبات اساتید محترم دانشگاه از زبان نماینده یک گروه غیر قانونی و عدم ایجاد مدرک رسمی از این موضوع، علل این تغییر در گزارش بوده است. ای‌کاش در عالم واقعیت هم گزارش اول نادرست بود.

جلسه با هیئت امنای دانشگاه

در تاریخ هفدهم آذر ماه، جلسه‌ای با حضور اعضاء هیئت امناء دانشگاه برگزار گردید. این جلسه که با تبلیغ و درخواست‌های مکرر روابط عمومی دانشگاه همراه بود، با حضور جمعی از اساتید دانشگاه مواجه شد. سایت دانشگاه، در گزارش صبح روز هجدهم آذر از این جلسه، مطالبی را به نقل از آقای دکتر امامی (با عنوان جعلی نماینده کانون صنفی) بعنوان مطالبات اساتید دانشگاه از هیئت امناء آورده بود. اینها تقریباً همان

روز پژوهش و کانون

امسال نیز همانند سالیان گذشته جلسه روز پژوهش با حضور اکثریت اساتید دانشگاه برگزار گردید. در این مراسم، آقای دکتر توفیق معاون آموزش، پژوهش و فناوری وزارت صنعت، معدن و تجارت حول مسائل پژوهشی سخنرانی کردند. ایشان همچنین به تلاش‌های آقای دکتر انبیاء اشاره کردند که منجر به اختصاص مبلغ چهار میلیارد تومان از طرف وزارت صنایع

به دانشگاه علم و صنعت ایران برای خرید تجهیزات آزمایشگاهی شده است. در انتهای این جلسه به معرفی برگزیدگان پژوهشی دانشگاه در زمینه‌های مختلف پرداختند. این افراد عبارتند از: آقایان دکتر کاوه (عمران)، دکتر شکرپه (مکانیک)، دکتر حبیب‌نژاد کورایم (مکانیک)، دکتر نوری (مکانیک)، دکتر شاه‌حسینی (برق)، دکتر شریعت (عمران)، دکتر محمدی (مهندسی شیمی)، دکتر آیت‌اللهی (مکانیک)، دکتر گلستانی‌فرد (مواد)، دکتر میرمحمد صادقی (راه آهن)، دکتر کاکایی (خودرو)، دکتر عبداللهی (کامپیوتر)، دکتر نورالسنا (صنایع)، دکتر انبیاء (شیمی)، دکتر اسماعیل‌زاده (فیزیک)، دکتر فیضی (معماری)، دکتر مالک‌نژاد (ریاضی)، دکتر صدیقی (فناوری‌های نوین)، دکتر سعادت (واحد نور)، دکتر خیرالدین (معماری)، دکتر بازیار (عمران)، دکتر مسعود پناه (مواد) و دکتر موسوی گزافرودی (راه آهن). در اینجا به این اساتید محترم تبریک گفته و آرزوی موفقیت‌های بیشتر آنها را از خداوند متعال خواستاریم. این جلسه البته همراه حاشیه‌ها و نکاتی بود که قابل تامل هستند:

۱- علیرغم زحمات دست‌اندرکاران مراسم، به علت کم بودن تعداد صندلی‌ها نسبت به تعداد میزها (!)، عده کثیری از اساتید مجبور شدند ناهار خود را که داخل ظرف‌های یک بار مصرف بود، بصورت ایستاده (برای اولین بار در تاریخ دانشگاه) میل کنند.

۲- اساتید پس از پذیرش در ابتدای سالن، مواجه با یک میز می‌شدند که در کنار آن آقای خاصی ایستاده بود و ضمن عرض خیر مقدم به اساتید (!)، با اصرار و تمنای ترحم‌آمیزی از آنها می‌خواست تا فرم‌های کانون موسوم به صنفی را امضاء کنند. واقعا تنگ شدن عرصه

رودربایستی در چهره بسیاری از اساتید مشهود بود. (البته این شیوه معمول ایشان است که با نامه‌ای وارد اتاق اساتید می‌شود و به هر صورت ممکن امضای را می‌گیرد و خارج می‌شود.) در روز پژوهش، ایشان در نقش معاون فرهنگی دانشگاه هم ظاهر شدند و میکروفون را دست گرفتند و با لحنی تبلیغاتی گفتند: بفرمایید در مسابقات ورزشی کانون ثبت نام کنید تا با انجام این مسابقات، فضائی صمیمی داشته باشیم. خلاصه آنکه، زمان صرف ناهار تبدیل شده بود به تبلیغ و عضوگیری کانون غیر قانونی. در واقع به نام پژوهش و به کام قانون شکنان مدعی قانون.

۳- آمار فعالیت‌ها و دستاوردهای پژوهشی دانشگاه که توسط معاونت محترم پژوهشی ارائه شده بود، مربوط به چند سال منتهی به آخر سال ۹۲ بود. همان آمارهای افتخارآمیزی که در پائیز سال ۹۲ توسط ایمیل پراکنی عده‌ای خاص مورد حمله ظالمانه قرار گرفت و آنها را چون دستاورد مدیریت قبلی بود، کذب دانسته و زیر سؤال بردند. اکنون باید پرسید آیا ارزش داشت برای فضاسازی به منظور تغییر مدیریت دانشگاه، آنقدر اصول اخلاقی زیر پا گذاشته شوند؟ آن هم از طرف افرادی که امسال ملهم شده بودند که باید با ایمیل‌های هر روزه خود به هدایت دیگر اساتید محترم دانشگاه بپردازند!

جلسه ۱۶ آذر ماه

در تاریخ شانزدهم آذر ماه، جلسه مناظره‌ای با حضور آقایان بذریاش و شکوری‌راد در دانشگاه برگزار گردید. آقای بذریاش، عضو هیئت رئیسه مجلس، گفتند: "پس از انتخابات ریاست‌جمهوری

می‌کنیم نه اینکه از آمریکا گدایی رأی کنیم، ما نمی‌توانیم به چشم‌های آرمیتا نگاه کنیم و شرمنده نشویم. وی همچنین گفت: در مورد مسئله نقد و انتقاد، سخن ما این است که اگر کسی حسب تشخیص خودش انتقادی را نسبت به یک اتفاق در عرصه بین‌المللی مطرح کرد، آیا به نظر شما ما حق داریم بگوییم که او بی‌سواد است، حق داریم بگوییم هر کسی توافقنامه ژنو را نقد می‌کند، بزدل سیاسی است؟ این خیلی کار بدی است.

اهدای لقب جدید به منتقدان

جناب آقای دکتر روحانی، روز ۱۶ آذر لقب جدیدی را به منتقدان خود عطا کردند. این لقب "تازه به دوران رسیده‌ها" بود. ایشان تقریباً در هر سخنرانی القاب جدیدی را ابداع و به منتقدان خود هدیه می‌دهند. تعدادی از القابی که قبلاً اهداء شده بودند، عبارتند از: عده‌ای معدود، مزد بگیر، بی‌شناسنامه، دوست‌دار تحریم، دارای سلول‌های شک‌دار، استفاده‌کننده از زور و شلاق، متوهم، دائماً غصه‌خور، دین و آخرت‌نشناس، کم‌سواد، بزدل، ترسو، لرزان، لایق جهنم. فکر می‌کنید لقب بعدی چه خواهد بود؟!

سال ۸۸ اتفاقی که نباید می‌افتاد، افتاد. اوپاما پس از انتخابات، کل مذاکرات هسته‌ای قبلی را کن‌لم یکن تلقی کرد و تبدیل به صدور قطعنامه ۱۹۲۹ علیه ملت ایران شد و سپس کنگره آمریکا قانون تحریم جامع علیه جمهوری اسلامی ایران را وضع کرد. بلافاصله تحریم‌های نفتی علیه کشور ما اتفاق افتاد و سپس بانک مرکزی تحریم شد. "وی با اظهار اینکه بلایی که فتنه‌گران در سال ۸۸ بر سر ایران آوردند، باعث اعمال تحریم‌های نسل سوم علیه کشورمان شد، گفت: "اگر مذاکره‌کنندگان هسته‌ای با ۱+۵ موفق شوند همه تحریم‌ها را بردارند تازه به شرایط سال ۸۸ باز می‌گردیم".

وی در ادامه گفت: "همه ملت ایران دارای احترامند چه نظر ما را قبول داشته باشند و چه نداشته باشند و احترام ما از گرفتن چند عکس یادگاری با جان کری به دست نیامده است، ما احتراممان را با تولید موشک تل‌آویوزن تهرانی مقدم کسب کردیم، اگر هیچکس هم به ما رأی ندهد ما به آنان احترام می‌گذاریم، ما گفتیم غزه و لبنان؛ ولی شما گفتید نه غزه و نه لبنان، اسرائیل هم گفت نه غزه و نه لبنان. افتخار ما این است که صدا و سیما از ما حمایت می‌کند نه بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا، افتخار ما این است که در تریبون‌های نماز جمعه از ما حمایت می‌کنند".

وی در ادامه گفت: تا زمانی که احمدی‌روشن‌ها در این کشور باشند، خواب برگشتن فتنه‌گر تحقق نمی‌یابد. در سال ۹۲ همان دولت احمدی‌نژاد و همان شورای نگهبان حضور داشتند اما آقای روحانی پیروز شد. اما ما به هفت دهم تفاوت رأی آقای روحانی احترام گذاشتیم و سطل آشغال آتش نزدیکیم، آدم نکشتیم. ... از همین قانون و نظام، آقای خاتمی، آقای هاشمی‌رفسنجانی و آقای احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور شدند. ... اگر حتی سانتریفیوژهای ما از فعالیت بایستند و غربی‌ها تحریم‌ها را بر ندارند، ما باز هم می‌گوییم «مرگ بر آمریکا»، افتخار ما این است که از این ملت تقاضای رأی

نبا نشریه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران

صاحب امتیاز: بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران

مدیر مسئول: حسین صالح زاده

سردبیر: محمد خلیج امیرحسینی

مطالب منتشر شده در نشریه لزوماً موضع بسیج اساتید دانشگاه نیست.

نشریه نبا از هرگونه انتقاد، پیشنهاد یا مطالب ارسالی دانشگاهیان محترم به ویژه اساتید محترم استقبال می‌کند. جهت ارسال مطالب خود، آنها را به آدرس الکترونیکی naba@iust.ac.ir بفرستید.

